

ماهنامه مطالعات افول آمریکا

سال اول، شماره ۲، اردیبهشت ۱۴۰۰

موضوع این شماره: افول نظامی آمریکا

- منشور ولایت

- سخن مدیر مسئول

- اخبار

- نگاه تحلیلی به افول نظامی آمریکا:

۱- افول نظامی آمریکا: دلایل و قرائن

۲- شش حقیقت راجع به ارتش آمریکا و ترکیب جمعیتی متغیر آن

۳- تمرینات نظامی و آتش خودی؛ تلفات بالای ارتش آمریکا از نگاهی دیگر!

۴- کاهش تمایل آمریکایی ها به خدمت در ارتش؛ نشانه وحشت از پنتاگون

- افول نظامی آمریکا از دیدگاه اندیشکده ها

- افول نظامی آمریکا از دیدگاه کارشناسان

- دفع بحران؛ راهبرد آمریکا، هزینه نظامی

- تولیدات رسانه ای راجع به افول نظامی آمریکا در جهان

- معرفی کتاب **American Decline Studies Monthly**

- راهبردهای رسانه ای در خصوص افول نظامی آمریکا

- گزارش سالانه آژانس اطلاعات دفاعی آمریکا

ارائه تحلیل، راهبرد، اخبار، معرفی تولیدات رسانه ای، کتب و همچنین انعکاس دیدگاه اندیشکده ها، صاحب نظران و گزارش های معتبر در خصوص افول آمریکا، هدف اصلی از انتشار این ماهنامه است. علیرغم هیاهوی رسانه های غربی درباره قدرت آمریکا و بازنمایی غیر واقعی از توانایی های این کشور، به اذعان موسسات مطالعاتی مهم، دوران پسا آمریکا و افول آمریکا آغاز شده و این افول تنها محدود به حوزه اقتصادی نیست بلکه شامل سایر زمینه های سیاسی، نظامی، علمی، اجتماعی، فرهنگی، رسانه ای، حقوقی، اخلاقی و دینی می شود که اهمیت دارد از نظر پژوهشی و رسانه ای این فرآیند واکاوی گردد.

ملاحظه مهم: ترجمه های منتشر شده در این ماهنامه بدون دخل و تصرف منابع مورد مطالعه بوده تا دیدی صریح و شفاف برای مخاطبان ارائه دهد.



صاحب امتیاز:

معاونت برونمرزی صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران

مدیر مسئول:

دکتر پیمان جبلی

سردبیر و مدیر محتوایی:

دکتر احمد کاظمی

مدیر اجرایی:

رویا موفق

هیات علمی و تحریریه:

دکتر ابراهیم متقی، دکتر فواد ایزدی، دکتر مصطفی خوش چشم، دکتر محمد فرهاد کلینی، دکتر محمد جمشیدی، دکتر علیرضا کوهکن، هادی خسرو شاهین، دکتر محمد رضا خطیبیان، امیر علی ابوالفتح، احمد نوروزی.

مترجم: رسول منصوری

طرح جلد: الهه ولایتی

اداری و پشتیبانی: سهیلا نعمتی

نشانی: تهران، خیابان ولی عصر (عج)، بالاتر از مسجد بلال،

ساختمان اداری سازمان صدا و سیما، طبقه پنجم، واحد

پژوهش های کاربردی، شماره تلفن: ۲۲۱۶۷۱۵۳

کدپستی: ۱۹۹۹۷۱۳۱۱۳

کلیه حقوق مادی و معنوی این گزارش متعلق به معاونت

برون مرزی صدا و سیما می باشد و بهره برداری از آن با

ذکر منبع مجاز می باشد.





انصافاً رژیم آمریکا بشدت دچار انحطاط سیاسی و انحطاط مدنی و انحطاط اخلاقی است. این هم تحلیل نیست؛ این [مطلبی] که من میگویم، این جور نیست که حالا تحلیل باشد؛ این را خودشان میگویند؛ این حرف سخنگویان خودشان و نویسندگان خودشان و صاحبان فکر از داخل خود آمریکا است؛ آنها این حرف را میزنند. در این چند سال چند کتاب نوشته‌اند، با تیراژهای بالا در داخل آمریکا منتشر شده که برخی پرده‌ها را این کتابها بالا میزند. یکی از این کتابها را که به فارسی ترجمه

شده، بنده خواندم؛ پُر از شواهد همین انحطاط است؛ یعنی واقعاً [اگر] کسی آن کتاب را بخواند، [میبیند که] اوّل تا آخر کتاب نشان‌دهنده‌ی انحطاط نظام سیاسی آمریکا با حرکات رئیس‌جمهور آمریکا است. این امپراتوری این جوری دیری نخواهد پایید؛ معلوم است که وقتی کار یک سیاست، کار یک رژیم به اینجا رسید، این دیگر خیلی عمر طولانی نخواهد کرد و منهدم خواهد شد. البته بعضی‌هایشان هستند که اگر سر کار بیایند زودتر منهدم میکنند، بعضی هستند که اگر سر کار بیایند ممکن است یک خرده دیرتر منهدم بشود؛ لکن به هر حال این حقیقت است.

گزیده‌ای از بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) به مناسبت سالروز ولادت پیامبر اعظم (ص) و امام صادق (ع) (۱۳ آبان ۱۳۹۹)

سخن مدیر مسئول:

از منظر موضوع شناسی، فرایند «مطالعات افول امریکا» که طی سالهای اخیر بویژه در مراکز مطالعاتی ایالات متحده رایج است، تحت تاثیر رویکردهای جنگ سردی، عمدتاً بر دو زمینه اقتصادی و نظامی متمرکز است. البته افول امریکا تنها به «افول موریانه ای» در عرصه های اقتصادی و نظامی محدود نمی شود، بلکه در عرصه های امنیتی، اجتماعی، فرهنگی، حقوق بین المللی، رسانه ای، علمی، اخلاقی و دینی نیز نشانه های افول، مشهود است.

ماهنامه

مطالعات افول امریکا

در خصوص افول نظامی امریکا که این شماره ماهنامه «مطالعات افول امریکا» به آن اختصاص یافته است، دیدگاه متعددی از سوی نظریه پردازان، سیاستمداران، پژوهشگران و رسانه های امریکایی و غیر امریکایی مطرح شده است. این دیدگاه ها در قالب دو دسته موافقان و مخالفان قابل تقسیم بندی هستند:

دسته نخست، مخالف ادعای افول نظامی امریکا هستند و معتقدند این موضوع از سوی رقبای امریکا در سطح بین المللی مطرح و بزرگنمایی می شود. از دید این عده، رقبای امریکا با طرح موضوع افول نظامی امریکا، اهداف متعددی را دنبال می کنند. آنها تلاش می کنند که در داخل امریکا، موجب افول باوری در افکار عمومی شده و به اختلافات درونی جامعه امریکا دامن بزنند و بازسازی قدرت امریکا را غیر ممکن القاء کنند. از دید این دسته، رقبای امریکا با طرح ادعای افول نظامی امریکا، تلاش می کنند در فرایند ایجاد، حفظ و توسعه ائتلاف های امریکا با کشورهای مختلف در اقصی نقاط جهان، مانع آفرینی

کنند و «راهبرد ائتلاف سازی» را که یکی از مهمترین ابزارهای موثر واشنگتن برای پیشبرد اهداف خود در سطح بین المللی است، با مشکل مواجه سازند، چرا که باور پذیر شدن افول نظامی امریکا، باعث می شود که متحدان این کشور در اقصی نقاط جهان از جمله در غرب آسیا و خلیج فارس، به دنبال ائتلاف های جدید بروند.

دسته دوم، موافقان افول نظامی امریکا هستند و معتقدند که «افول نظامی امریکا» واقعیتی است که قراین متعددی از جمله موارد ذیل، موید آن می باشند:

- کاهش تعداد نظامیان ارتش امریکا همزمان با افزایش بی رغبتی در جوانان امریکایی برای پیوستن به ارتش و تشدید روحیه نژاد پرستی در ارتش؛
- کاهش تجهیزات و ادوات نظامی راهبردی امریکا از جمله ناوهای هواپیمابر و افزایش درصد ادوات فرسوده و جایگزین نشده؛
- کاهش بودجه نظامی امریکا و چشم انداز نزولی آن در بودجه های سالانه؛
- شکست های پی در پی ارتش امریکا در سطح بین المللی از جمله در افغانستان، عراق و یمن؛
- تصمیم امریکا و وادار شدنش به خروج یا کاهش نیروها و پایگاه ها در برخی از مناطق راهبردی جهان از جمله در افغانستان و عراق؛



ابزارهای قدرت نرم و افزایش انتقادات جهانی از مداخلات ارتش آمریکا؛

- عدم شکل گیری اجماع جهانی یا حتی منطقه ای درباره دکترین های نظامی موسوم به «اقدام پیشدستانه»، «مداخله بشردوستانه» و «مسئولیت حمایت» که مستمسک امریکا برای مداخله نظامی و اشغالگری در کشورهای مختلف می باشند.

- تشدید تمایلات در میان محافل سیاسی امریکا به بازگشت این کشور به دکترین مونروئه در سیاست خارجی.

طرفداران ایده افول نظامی امریکا با طرح اینگونه مستندات، معتقدند فرایند افول نظامی امریکا از مدتها پیش آغاز شده است و علیرغم هیاهوی رسانه های غربی برای بازنمایی تصویر غیرواقعی و قدرتمند از توانایی های امریکا، امریکا دیگر قدرت یکجانبه و برتر نظامی در جهان محسوب نمی شود. شواهد افول نظامی امریکا در غرب آسیا شاید بیش از هر نقطه دیگری مشهود است و چنانچه مقام معظم رهبری (مدظله العالی) فرموده اند: «بوضوح امروز آمریکا، در این منطقه ضعیف تر از ده سال پیش و بیست سال پیش است؛ بوضوح رژیم صهیونیستی خبیث، امروز ضعیف تر از گذشته است...»

پیمان جبلی

مدیر مسئول

- تشدید اختلافات امریکا با سایر اعضای ناتو و تشدید زمزمه های لزوم تشکیل ارتش مستقل اروپایی؛

- از بین رفتن برتری نظامی انحصاری امریکا تحت تاثیر پیشرفت های نظامی چشمگیر در چین و روسیه و برخی از کشورهای دیگر؛

- تضعیف کارکرد پهپادهای امریکایی به عنوان یکی از مولفه های برتری نظامی امریکا تحت تاثیر پیشرفت های شگرف برخی از کشورها بویژه ایران و محور مقاومت در تولید بومی پهپادها و کاربرد موثر آنها در عرصه میدان و اذعان مقامات نظامی امریکا به این واقعیت؛

- تشکیل ائتلافهای نظامی جدید از سوی رقبای امریکا نظیر ائتلاف سازمان شانگهای که همزمان با همکاریهای سیاسی و اقتصادی، همکاریهای نظامی در آن، بموازت تشدید شکاف در دو سوی آتلانتیک، شدت گرفته است.

- کاهش اعتماد متحدان سنتی امریکا به توانایی امریکا برای محافظت از آنها بویژه در حوزه خلیج فارس؛

- ناکامی واشنگتن برای بازنمایی چهره ای بشردوستانه از ارتش امریکا با استفاده از

✓ لوید آستین، وزیر دفاع آمریکا؛

بررسی موقعیت نیروهای نظامی این کشور در جهان را آغاز کرده است.

انتظار می رود که چین و هند-اقیانوسیه به عنوان اولویت های راهبردی تعریف شوند. اما در خصوص توانایی و تمایل دولت بایدن به تقبل تعهدات دفاعی جدید در این منطقه شک و تردیدهایی وجود دارد. وبسایت مؤسسه بین‌المللی مطالعات راهبردی بریتانیا در یادداشتی نوشت: وزیرای دفاع پیش از آستین نیز هند-اقیانوسیه را منطقه ای دارای اولویت توصیف کرده بودند، اما در نهایت نتوانسته اند دارایی ها و منابع مالی را از اروپا و خاورمیانه (غرب آسیا) به این منطقه سوق دهند.

بایدن نیز به وضوح نشان داده است که می خواهد دیپلماسی را در صدر سیاست های خود قرار دهد. متقاعد کردن مخاطبان این منطقه، از جمله چین، مستلزم ایجاد توازن مجدد در چهار حوزه ای است که بررسی مجدد رسمی شامل همه آنها نخواهد شد. جابجایی نیروهای آمریکا از منطقه ای به منطقه دیگر، واضح ترین گزینه برای آرایش مجدد جهانی است. تغییر مرکزیت عملیات نیروی دریایی آمریکا از خلیج

[فارس] به دریای جنوب چین راهی ملموس برای تحقق اولویت بخشی به منطقه عمدتاً دریایی هند-اقیانوسیه است. این امر در ابتدا می تواند به صورت تعهد به حفظ همیشگی ناو هواپیمابر یا گروه آبی-خاکی آماده در دریای جنوب چین باشد، هرچند که فناوری در آینده راه هایی برای ترکیب این نیروها در اختیار خواهد گذاشت که آسیب پذیری کمتری داشته باشند.

✓ «مارک اسپر» وزیر دفاع وقت آمریکا (۲۰۲۰م) ادعا کرد؛ آمریکا به منظور مقابله با تهدیدات چین به پایگاه های نظامی بیشتری در منطقه هند و اقیانوس آرام نیاز دارد.

اسپر در سنا گفت: چین به پیشرفت های فنی چشمگیری در سامانه های تسلیحاتی دست یافته که به منظور شکست و کاهش قابل توجه اثربخشی نیروهای امریکایی از جمله برد و دقت تسلیحات موشکی ما طراحی شده است.

پنتاگون و ارتش آمریکا با تاکید بر توان نظامی رقبایی مانند چین و حتی بزرگ نمایی آن، می کوشند زمینه را برای گسترش مداخله نظامی خود در اقیانوس آرام فراهم کنند.





در همین حال مدیر آژانس اطلاعات ملی آمریکا نیز به اظهار نظر درباره ایران پرداخته و مدعی است «ایران به دنبال نشان دادن قدرت به همسایگان خود است»

این مقام آمریکایی در ادامه اظهارات خود ادعا کرده است «عراق عرصه‌های برای نفوذ تهران خواهد بود».

این اظهارات بی اساس در حالی مطرح میشود که حضور ۲۰ ساله آمریکا در افغانستان موجب ناامنی گسترده و تبعات بسیاری برای این کشور شده و در عراق نیز، احزاب این کشور در سال ۲۰۲۰ با اکثریت آرا خواستار اخراج نظامیان آمریکایی شدند.

✓ نمایندگان مجلس افغانستان در نشست عمومی، این نهاد گفتند؛

امریکا روزانه ۲۰۰ دستگاه تانک و سایر تجهیزات نظامی‌اش را از مرزهای اسپین بولدک و تورخم به پاکستان منتقل می کند.

الله گل مجاهد نماینده کابل در مجلس نیز تاکید کرد: تخریب پایگاه‌ها و انتقال تجهیزات جنگی به پاکستان خلاف تفاهمنامه امنیتی میان کابل- واشنگتن بوده و مطابق این قرارداد آمریکایی‌ها باید قبل از ترک افغانستان تجهیزات نظامی خود را به دولت این کشور واگذار کنند. وی همچنین

وی افزود: چین روی افزایش چشمگیر موشک‌های کروز برای انجام حملات زمینی و نیز موشک‌های بالستیک با برد کوتاه، متوسط و بلند سرمایه گذاری کرده است؛ بنابراین پنتاگون

به توسعه مفاهیم جدید و توانایی‌های تازه برای مقابله با این تهدیدات ادامه خواهد داد. بنا بر اعلام ارتش امریکا، حدود ۹۵ درصد از موشک‌های موجود در زرادخانه‌های ارتش چین

دارای برد ۵۰۰ تا ۵ هزار و ۵۰۰ کیلومتر بوده و به این معنا است که این موشک‌ها می توانند **مطالعات افول آمریکا** تاسیسات اصلی امریکا را در سراسر ژاپن هدف قرار دهند.

به عقیده کارشناسان، پنتاگون و ارتش آمریکا با تاکید بر توان نظامی رقبایی مانند چین و حتی بزرگ نمایی آن، می کوشند زمینه را برای گسترش مداخله نظامی خود در اقیانوس آرام فراهم کنند.

✓ مدیر آژانس اطلاعات دفاعی آمریکا؛

رابرت اشلی، طی اظهاراتی مدعی شده است که «ایران اصلیتین رقیب منافع ما در خاورمیانه است».

این مقام ارشد آمریکایی با اشاره به تحولات افغانستان گفت «سطح خشونت در افغانستان هنوز بالاست و به نظر میرسد مذاکرات صلح به کندی پیش میرود».



این موسسه با استناد به نتایج یک نظرسنجی از ۲۹ کشور دنیا اظهار کرد که میانگین نرخ رضایت از آمریکا از ۲۲ درصد در سال ۲۰۱۷ میلادی به کمتر از ۱۸ درصد تنزل یافته است. این نظرسنجی که طی ماه های مارس و نوامبر انجام شده نشان می دهد میزان رضایت از رهبری آمریکا در ۱۳۴ کشور جهان نسبت به آخرین سال ریاست جمهوری باراک اوباما ۱۸ درصد افت داشته است. فقط ۵ درصد در ایسلند، ۶ درصد در آلمان، ۱۰ درصد در سوئیس، ۱۴ درصد در دانمارک، ۱۵ درصد در انگلیس و ۲۰ درصد در ایرلند رهبری آمریکا را تایید می کنند. نظرسنجی موسسه گالوپ نشان میدهد میزان رضایت از آمریکا و وجهه بین المللی این کشور از نخستین سال ریاست جمهوری دونالد ترامپ تاکنون افت چشمگیری داشته است.

میزان اعتماد متحدان آمریکا به

ریاست جمهوری ترامپ کمتر از ۱۶

درصد بوده است که این رقم ۷

درصد کمتر از اعتماد این کشورها به

ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه

است

افزود: امریکایی ها شماری از ساختمان ها در پایگاه نظامی بگرام در ولایت پروان افغانستان را نابود کرده اند. "رفیع مموزی" نماینده لغمان در مجلس نیز تاکید کرد: دولت افغانستان نباید اجازه خروج این تجهیزات از کشور را به امریکا بدهد. این درحالی است که قبل از عملیات تخریب پایگاه نظامی بگرام توسط امریکا و انتقال تجهیزات نظامی آن به پاکستان با انتقاد مجلس سنای افغانستان همراه شده بود چرا که آنها خواستار واگذاری این تجهیزات به ارتش افغانستان هستند. پایگاه هوایی بگرام مهمترین پایگاه نظامی امریکا در افغانستان بشمار می رود که نظامیان امریکایی عملیات هوایی خود را از این پایگاه انجام می دادند. دونالد ترامپ رئیس جمهوری وقت آمریکا اوت ۲۰۲۰ اعلام کرد: تعداد نظامیان امریکایی در افغانستان را به ۴۰۰۰ تن میرساند و چارچوب زمانی برای خروج این نیروها را رد کرد. این درحالیست که امریکا در ۱۹ سال حضور نظامی شکست خورده در افغانستان همچنان در باتلاق گیر کرده و در تلاش است تا خود را از این منجلاب خود ساخته نجات دهد.

✓ موسسه گالوپ دسامبر ۲۰۲۰؛

ریزش ۳ ستون سلطه

این گزارش از بدترین وضعیت تاریخی آمریکا در شرایطی منتشر شده است که پیش از این نیز



البته موفقیت‌های پکن در عرصه فضا محدود به این چند خبر نیست و هر روز خبرهای جدیدی از فعالیت‌های فضایی چین در رسانه‌ها منتشر می‌شود. اما نکته مهم اینکه فعالیت‌های فضایی چین با ناخرسندی دولتمردان امریکایی روبرو شده است، آنهم در شرایطی که واشنگتن از سال‌ها پیش توسعه برنامه‌های فضایی خود را آغاز کرده است.

بررسی‌های نیروهای هوایی ارتش آمریکا نشان می‌دهد که رقابت فضایی چین و آمریکا طی سال‌های آینده تشدید خواهد شد و عمق بیشتری خواهد یافت.

درباره علل ناخرسندی دولتمردان آمریکا از فعالیت‌های فضایی چین می‌توان به چند نکته اشاره کرد: اولین نکته اینکه، نتایج بررسی نیروهای هوایی ارتش آمریکا نشان می‌دهد که چین و آمریکا به شدت نگران تسخیر فضا توسط طرف مقابل هستند. بر اساس این بررسی، آمریکا تسلیحات ضد ماهواره چین را تهدیدی بالقوه برای امنیت ملی خود می‌داند و بیم دارد که مقامات پکن از قدرت نرم و دیپلماسی خود برای اتحاد با بیگانگان فضایی و تسلط بر فضا بهره بگیرند افزون بر این، بررسی‌های نیروهای هوایی ارتش آمریکا نشان می‌دهد که رقابت

نظرسنجی مرکز تحقیقاتی پیو نشان داده است که میزان اعتماد متحدان آمریکا به ریاست جمهوری ترامپ کمتر از ۱۶ درصد بوده است که این رقم ۷ درصد کمتر از اعتماد این کشورها به ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه است. ارتباط رضایت از رهبری آمریکا و افول هژمونی این نظرسنجی و نظرسنجی‌های مشابه دیگری که موسسات معتبر نظرسنجی در ماه‌های اخیر منتشر کرده‌اند یکی از مجموعه عواملی هستند که از

افت «هژمونی» آمریکا خبر می‌دهند.
مطالعات افول آمریکا
✓ گزارش خبری: رقابت‌های نظامی آمریکا و چین در فضا!

سازمان ملی فضایی چین از پرتاب موفقیت آمیز یک ماهواره جدید رصد زمینی خبر داد.

چندروز قبل تر هم چینی‌ها با پرتاب فضاپیمای بدون سرنشین «چانگ -۵» پرچم خود را روی کره ماه نصب کرده بودند. کاوشگر «چانگ -۵» یکی از پیچیده ترین و چالش برانگیزترین ماموریت‌های تاریخ هوافضای چین و همچنین اولین ماموریت نمونه ماه در جهان طی بیش از ۴۰ سال است.

افزون بر این چینی‌ها چند ماه قبل هم، شبکه جهانی ناوبری و موقعیت‌یابی «بیدو» ساخت چین را در مراسمی با حضور «شی جین پینگ» رئیس جمهوری چین راه اندازی کردند.



ارایه چنین گزارش در شرایطی است که «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهور وقت آمریکا ۱۸ ژوئن ۲۰۱۸ به پنتاگون دستور تشکیل نیروی فضایی به عنوان یکی از شاخه‌های نیروی مسلح آمریکا را داده بود. در واقع نیروی فضایی آمریکا در کنار ارتش، نیروی هوایی، نیروی دریایی، تفنگداران دریایی و گارد ساحلی، ششمین شاخه نیروهای مسلح آمریکا محسوب می‌شود.

نکته چهارم اینکه، چین تلاش آمریکا برای تبیین دکترین نظامی، راه اندازی بازی‌های جنگی در فضا و تأسیس نیروی فضایی را اقدامی شریانه برای تسلط بر فضا و محدود کردن دسترسی چین تصور می‌کند. چین همچنین جنبه‌های نظامی فعالیت‌های فضایی خود را بسیار محدود می‌داند. بنابراین می‌توان تصور کرد که خصومت‌های فضایی دو کشور در آینده تشدید شود.

اما این پرسش همچنان مطرح است که چرا دستاوردهای جدید فضایی چین به دل مشغولی مقامات کاخ سفید تبدیل شده است؟ از منظر کارشناسان آنچه مبرهن است اینکه، در طول جنگ سرد، چشم آمریکا به موشک‌ها و ماهواره‌های اتحادیه جماهیر شوروی دوخته شده بود، اما در سال‌های اخیر، این برنامه فضایی چین بوده

فضایی چین و آمریکا طی سال‌های آینده تشدید خواهد شد و عمق بیشتری خواهد یافت. نکته دوم اینکه، آمریکایی‌ها چین را رقیبی نظامی در فضا می‌دانند که پیشرفت برنامه‌های فضایی آن می‌تواند چالش‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی برای کاخ سفید به وجود آورد. در این زمینه، رئیس‌پیشین مجلس نمایندگان آمریکا رقابت فضایی با چین را از مهمترین چالش‌های قدرت‌های جهانی برشمرد و افزود که تهدید فضایی چین واقعی است: «پکن به سرعت در حال افزایش قابلیت‌های فضایی خود است و تهدید فضایی چین یک واقعیت است».

نکته بعدی اینکه وزارت دفاع آمریکا در ژوئن ۲۰۲۰ سندی تحت عنوان «خلاصه راهبرد دفاع فضایی آمریکا» منتشر نموده که در آن، فضا را یک حوزه جنگی جدید و متفاوت اعلام می‌کند، حوزه‌ای نیازمند راهبردی جدید در جهت رقابت، بازدارندگی و پیروزی بر قدرت‌های جهانی که نحوه ارتقای قدرت فضایی آمریکا را مشخص کند.

در این سند از چین و روسیه با لحاظ امکان حملات فضایی و تبدیل فضا به عرصه تسلیحاتی، به عنوان بزرگترین تهدیدکنندگان امنیت فضایی آمریکا، نام برده شده است.

است که بیش از پیش آمریکا را نگران کرده است.

«تاد هریسون»، متخصص برنامه های فضای نظامی در مرکز مطالعات استراتژیک و بین المللی در واشنگتن در این باره می گوید: «اگر چین به تلاش خود در این مسیر ادامه دهد به سرعت توانایی های دیگر کشورهای مطرح در تکنولوژی های فضایی را تحت شعاع قرار خواهد داد.»

در مجموع باید گفت، اگر چه ترامپ در چهار سال گذشته تلاش کرد با مجموعه سیاست های مداخله گرایانه خود یعنی از جنگ اقتصادی

گرفته تا مسائل امنیتی، از نفوذ و گسترش همه جانبه چین در حوزه های مختلف جلوگیری نماید، اما آنچه اکنون شاهد آن هستیم ضمن اینکه سیاستهای ترامپ در مهار چین جواب نداده است، بلکه حوزه فضا هم به عرصه جدید رقابت های جهانی دو کشور تبدیل شده است. اگر چه آمریکا با گسترش برنامه نظامی گری خود در فضا به دنبال محدود کردن دیگر رقبای خود است؛ اما دور از انتظار نیست که قدرت های بزرگ دیگر نیز همچون چین و روسیه برای حفظ توان رقابت راهبردی با واشنگتن در فضا، گام های موثرتری را برای شکستن این انحصار درپیش گیرند نکته ای در گزارش راهبردی پنتاگون نیز از آن به عنوان بزرگترین تهدیدکنندگان امنیت فضایی آمریکا، نام برده شده است.



نگاه تحلیلی به افول نظامی آمریکا

تحلیل اول؛ افول نظامی آمریکا؛ دلایل و قرائین

مساله افول قدرت آمریکا مدتهاست که در ادبیات سیاسی و روابط بین الملل مطرح شده است. درباره این موضوع نه فقط از جانب کشورهای مخالف و رقیب آمریکا، بلکه در محافل آکادمیک و سیاسی غربی نیز در باره بحث های زیادی صورت گرفته است. به گفته منتقدان؛ هیمنه آمریکا در دنیا رو به افول است. این زوال نه فقط در زمینه قدرت سخت یعنی قدرت نظامی و قدرت نیمه سخت یعنی قدرت اقتصادی آمریکا مصداق دارد، بلکه به گمان بسیاری از تحلیلگران، قدرت نرم آمریکا نیز دچار زوال شده است. افول آمریکا را می توان از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار داد. در مطلب حاضر مساله افول نظامی آمریکا مورد بررسی قرار می گیرد.

• نگاهی کلی به ارتش آمریکا

آمریکا دارای بزرگترین بودجه نظامی جهان و نیروهای مسلح عظیمی است. نظامی گری و کاربرد قدرت سخت نیز همواره از اصول سیاست خارجی و امنیتی ایالات متحده بوده است. سایت « Global Fire Power » پایگاه ویژه رصد قدرت های نظامی جهان، براساس آمار سال ۲۰۲۱ و با توجه به تعداد نظامیان در حال خدمت، نیروهای احتیاط،

نیروهای هوایی، زمینی و دریایی و تعداد فرودگاه های قابل استفاده، آمریکا را اولین قدرت نظامی جهان دانسته است. طبق آمار ارائه شده در این سایت، جمعیت ایالات متحده بیش از ۳۳۲ میلیون نفر است که از میان آنان ۱۴۶ میلیون نفر نیروی انسانی فعال هستند. شمار نیروهای نظامی آمریکا ۲ میلیون و ۲۴۵ هزار نفر است که ۸۴۵ هزار و ۵۰۰ تن از نیروهای احتیاط هستند. از نظر قدرت هوایی، ارتش آمریکا دارای ۱۳ هزار و ۲۳۳ هواپیمای نظامی، یک هزار و ۹۵۶ جنگنده، ۷۶۱ هواپیمای تهاجمی، بیش از ۹۴۵ هواپیمای باری نظامی، ۲ هزار و ۷۶۵ هواپیمای آموزشی و ۵ هزار و ۴۳۶ بالگرد نظامی از جمله ۹۰۴ بالگرد تهاجمی دارد. ارتش آمریکا علاوه بر یک هزار و ۳۶۵ سامانه موشک انداز، بیش از ۶ هزار و ۱۰۰ دستگاه تانک، ۴۰ هزار خودروی زرهی، یک هزار و ۵۰۰ توپ خودکشی و بیش از یک هزار و ۳۴۰ توپخانه میدانی دارد. از نظر قدرت دریایی، ناوگان دریایی آمریکا ۴۹۰ فروند شناور شامل ۱۱ ناو هواپیمابر، ۹۲ ناوشکن و ۶۸ زیردریایی در اختیار دارد. بودجه دفاعی و متوسط هزینه سالانه ارتش آمریکا ۷۴۰ میلیارد دلار آمریکا است. در اسناد بالا دستی ایالات متحده از جمله سند استراتژی امنیت ملی ۲۰۱۷



نیز بر استفاده از قدرت نظامی یا زور Force برای رسیدن به اهداف خارجی تاکید شده است.

• آغاز افول نظامی

هر چند آمریکا همواره ادعا کرده که قدرتمندترین نیروی نظامی جهان را در اختیار دارد، با این حال تاثیر گذاری نظامی آمریکا در راستای تحقق اهداف سیاست خارجی و امنیتی این کشور در چند دهه اخیر روندی افولی داشته

این امر به ویژه پس از شکست آمریکا در جنگ ویتنام و خروج مفتضحانه آن از ویتنام جنوبی در سال ۱۹۷۳ بیشتر آشکار شد. آمریکا از سال ۱۹۶۵ به بهانه دفاع از ویتنام جنوبی در مقابل ویتنام شمالی کمونیست، وارد جنگ ویتنام شد، به گونه ای که عملیات هوایی خود در جنگ ویتنام را به ۲۲ برابر جنگ جهانی دوم رساند، اما نبرد نامتقارن در این جنگ و عملیات چریکی ویت کنگ ها با پشتیبانی ارتش ویتنام شمالی و حملات موثر آنها باعث نتایج غیر قابل پیش بینی برای آمریکا شد؛ به طوری که از سال ۱۹۶۲ تا ۱۹۷۳ میلادی ۸۵۰۰ هواییما را از دست داد. همچنین بیش از ۵۸ هزار نفر از نیروهای ارتش آمریکا کشته شدند تا جایی که دولت نیکسون ناچار شد از طریق شوروی، ویتنام شمالی را ترغیب به امضای پیمان صلح

پاریس با آمریکا برای خروج واشنگتن از باتلاق ویتنام کند.

در دوره پسا جنگ سرد نیز بزرگترین عملیات نظامی آمریکا در جنگ اول خلیج فارس و عملیات آزاد سازی کویت رخ داد. با این حال از سال ۲۰۰۱ به بعد نیروهای مسلح آمریکا با چالش های بزرگی مواجه شده و تردید های زیادی در باره کارایی و توانایی آن برای پیروزی قاطع نظامی به وجود آمده است. این امر با توجه به تشدید درگیری ها و مداخلات نظامی آمریکا در دو دهه گذشته به ویژه پس از حادثه ۱۱ سپتامبر و آغاز جنگ جهانی علیه تروریسم، روندی رو به افزایش داشته است.

اقدامات یکجانبه گرانه آمریکا در دوره زمامداری جورج دبلیو بوش مانند حمله به افغانستان و عراق، نه فقط به تدریج زمینه تنزل موقعیت آمریکا در عرصه بین المللی و افول سیاست خارجی واشنگتن را فراهم آورد بلکه با استفاده مداوم از نیروهای نظامی و استقرار تجهیزات نظامی، نیروهای مسلح آمریکا را با چالش بزرگی به نام استهلاک نیروها و تجهیزات نظامی و کاهش کارایی آنها مواجه کرده است. ضمن اینکه ارتش آمریکا اکنون با معضل بزرگی یعنی هزاران مجروح ناشی از مداخله نظامی در افغانستان و عراق مواجه است که بسیاری از آنها با معلولیت های جسمی مواجه بوده و یا دچار عوارض روانی ناشی از عملیات جنگی هستند. از



افغان جان خود را از دست دادند. جنگ افغانستان برای آمریکا دو تریلیون و ۴۰۰ میلیارد دلار هزینه و حدود ۲۴۰۰ کشته و ۴۰ هزار مجروح در برداشته است. در کشور عراق نیز به رغم تاکیدهای مکرر مقامات ارشد نظامی آمریکایی در زمینه ادامه حضور در این کشور، اما فشارهای زیادی در قالب حملات روزمره راکتی و حمله به کاروان های نظامی آمریکا به منظور وادار ساختن آن به خروج از عراق اعمال می شود. ضمن اینکه حضور نظامی آمریکا در عراق از سال ۲۰۰۳ تاکنون منجر به کشتار هزاران عراقی و تخریب زیر ساخت ها و از همه مهمتر باعث شکل گیری گروههای تروریستی تکفیری به ویژه داعش شده است.

جنگ افغانستان برای آمریکا دو تریلیون و ۴۰۰ میلیارد دلار هزینه و حدود ۲۴۰۰ کشته و ۴۰ هزار مجروح در برداشته است.

• چین، روسیه و افول نظامی آمریکا

در حال حاضر با توجه به آمارها و شاخص ها، نیروهای مسلح آمریکا رتبه اول جهان را دارند و نیروهای مسلح روسیه و چین در رتبه های دوم و سوم در میان قدرتمندترین ارتش های جهان قرار

سوی دیگر مداخله نظامی آمریکا در سوریه در قالب حمایت از گروههای تروریستی و سپس اشغال بخش هایی از خاک این کشور از سال ۲۰۱۵ که تاکنون نیز ادامه دارد، نتوانسته تا واشنگتن را به هدف اصلی خود یعنی سرنگونی دولت قانونی سوریه و تضعیف محور مقاومت در منطقه غرب آسیا برساند.

اکنون شش ناوگان جنگی آمریکا در سراسر جهان مشتمل بر ناوهای هواپیمابر حضور دارند، اما تاثیرگذاری واشنگتن در تحولات بین المللی هر روز کمتر می شود. در بحران های اخیر مانند بحران شرق مدیترانه، جنگ لیبی و جنگ قر باغ؛ آمریکا حضور نداشته و در افغانستان بعد از ۲۰ سال اشغال نظامی بدون هیچ دستاوردی در حال خروج کامل از این کشور جنگزده است. آمریکا در سال ۲۰۰۱ به بهانه جنگ علیه تروریسم به افغانستان حمله و رژیم طالبان را سرنگون کرد. با این حال در ۲۰ سال گذشته با قدرت گرفتن دوباره طالبان و توافق صلحی که دولت ترامپ با آن در دوحه منعقد کرد، اکنون دولت بایدن به ناچار و بدون کسب هیچ دستاوردی به این اشغالگری که با ناکامی به مراتب بدتر از جنگ ویتنام همراه بود، پایان می دهد. بنابر برخی آمار، در این اشغالگری نظامی که غیر از ایجاد ناامنی هرچه بیشتر و ویرانی افغانستان ثمره ای در بر نداشت، هزاران غیرنظامی

دارند. اما این روند به سرعت در حال دگرگون شدن است.

ناوهای پیشرفته با عملیاتی کردن ناوهای هواپیمابر، ناوهای رزمی مختلف و انواع زیر دریایی ها تبدیل کرده است.

به عنوان مثال چین که دومین بودجه نظامی جهان را پس از آمریکا دارد، با سرعتی حیرت آور در حال توسعه نظامی و تسلیحاتی است، به طوری که در مه ۲۰۲۱ توانست چندین ناو دارای امکانات فرود بالگرد، ناوشکن و زیر دریایی با ظرفیت کلی ۶۱ هزار تن را به آب بیاورد که در نوع خود بی سابقه است.

با وجود آنکه در سندهای استراتژی امنیت ملی و استراتژی نظامی آمریکا به ویژه در دوره زمامداری دونالد ترامپ و اکنون در دوره ریاست جمهوری جو بایدن از ورود به دوران تازه‌ای از رقابت راهبردی با چین و روسیه سخن گفته شده، اما توان نظامی آمریکا برای مقابله موثر با این دو قدرت بین المللی در عرصه های مختلف حتی از جانب فرماندهان و مقامات ارشد پنتاگون زیر سؤال رفته است.

نشریه آمریکایی نشنال اینترست در مقاله‌ای در دسامبر ۲۰۱۹، نیروهای دریایی آمریکا، چین، روسیه، انگلیس و ژاپن را به ترتیب پنج قدرت دریایی برتر جهان رده بندی کرده و نوشته است اگر راهبرد دفاعی آمریکا متحول نشود، ناوگان دریایی آن در نبرد احتمالی با روسیه یا چین ناکام خواهد بود. در این مقاله تاکید شده است که در صورت نبرد احتمالی میان آمریکا با چین یا روسیه، واشنگتن ناکام می ماند زیرا راهبردهای دفاع هوایی و دریایی آمریکا نیازمند تحولات اساسی است. در ادامه این مطلب، چین به عنوان مقام دوم نیروی دریایی برتر در جهان معرفی شده، کشوری که طی ۳۰ سال گذشته، نیروی دریایی خود را از نیرویی متشکل از ناوهای منسوخ به ناوگانی متشکل از

مقامات پنتاگون به تازگی هشدار داده اند در هرگونه نبرد محتمل بین نیروهای ایالات متحده و چین در اقیانوس آرام، نیروی دریایی آمریکا بازنده است. یک ارزیابی پنتاگون براساس سال ۲۰۳۰ این بود که در برهه ای که چین به زیردریایی های رزمی و ناوهای هواپیمابر و ناوشکن های جدید در سال ۲۰۳۰ مجهز شود، آنگاه آمریکا به طور کامل مغلوب ارتش چین می شود. به گفته کارشناسان پنتاگون این تهدیدها اینک فوری تر از سال ۲۰۳۰ است به طوری که پایگاههای آمریکا در منطقه اقیانوس آرام از جمله در جزیره گوام که





نیروهای هسته ای استراتژیک این کشور شاهد به چالش کشیدن نظامی آمریکا در مناطق مختلف جهان از سوریه تا دریای سیاه و دریای بالتیک و شرق اروپا و حتی در ونزوئلا در آمریکای لاتین از جانب مسکو هستیم.

• ایران و افول نظامی آمریکا

مقابله جمهوری اسلامی ایران با آمریکا و حمله با پایگاه آمریکایی عین الاسد در پاسخ به ترورسیم دولتی و اقدام غیر قانونی دولت ترامپ در به شهادت رساندن سردار سلیمانی و همراهان وی در دی ۱۳۹۸ در فرودگاه بغداد نشان داد که آمریکا به رغم ادعاها و تهدیدات زیادی که صورت می دهد اما قادر به واکنش نظامی در برابر ایران نیست.

مساله دیگری که نشانه افول نظامی آمریکا در غرب آسیا به ویژه در برابر ایران است اعتراف به قدرت نظامی ایران و ناتوانی آمریکا در مقابله با آن است.

ژنرال کنت مکنزی فرمانده ستاد مرکزی نیروهای آمریکایی در غرب آسیا (سنتکام) در اواخر فروردین ۱۴۰۰ اذعان کرد قدرت پهبادی ایران باعث شده تا آمریکا قدرت و برتری هوایی خود را در منطقه غرب آسیا از دست بدهد. مکنزی در جلسه استماع کمیته خدمات نیروهای مسلح مجلس نمایندگان

میزبان سه پایگاه آمریکاست اینک در خطر هستند، زیرا چین توان موشکی برد متوسط خود را تقویت کرده است. یک مقام پنتاگون در این باره گفت، چین مجهز به موشکهای ضد کشتی دوربرد فراصوت است که سرعت آنها پنج برابر سرعت موشکهای معمولی است. به گفته مقامات پنتاگون در صورت حمله چین به تایوان، آمریکا قادر به دفاع از آن نیست و تایوان بی ثبات ترین موضوع بین چین و آمریکا است.

ضعف آمریکا در مقابل چین و روسیه در عرصه های مختلف از عرصه فضایی تا سایبری و حتی در زمینه تقابل نظامی در سطح نیروهای متعارف مطرح شده است. واشنگتن، روسیه و چین را به عنوان دشمنان و تهدیدات اصلی امنیتی خود تلقی می کند و طبیعتاً افزایش بودجه نظامی نیز با هدف مقابله با آنها صورت می گیرد. کما اینکه تخصیص بودجه کلان برای نوسازی تسلیحات هسته ای و نیز ایجاد نیروی فضایی در راستای مقابله با تهدیدات هسته ای و فضایی مسکو و پکن انجام شده است. به

ویژه آمریکا نگران ظهور چین به عنوان قدرت اول اقتصادی جهان تا چند سال آینده و نیز افزایش روزافزون قدرت نظامی آن است که معادلات امنیتی کنونی و موقعیت سنتی آمریکا در شرق آسیا به عنوان قدرت نظامی تاثیر گذار را به چالش کشیده است. درباره روسیه نیز با توجه به نوسازی



در سند اولیه استراتژی امنیت ملی دولت بایدن که در مارس ۲۰۲۱ تحت عنوان «راهنمای موقت راهبرد امنیت ملی» منتشر شد تاکید شده که ایران به عنوان بازیگری منطقه‌ای، به پیگیری توانمندی‌ها و فناوری‌هایی که "تغییر دهنده قواعد بازی" Game Changing است پرداخته است.

آنچه مد نظر واشنگتن است دستاوردهای چشمگیر ایران در زمینه فن آوری های پهپادی، موشکی و هسته ای است که با توجه به اهمیت فزاینده آنها در قدرت نظامی و قدرت صنعتی کشورها با واکنش منفی آمریکا مواجه شده است.

• نابسامانی های نظامی آمریکا

دونالد ترامپ رئیس جمهور سابق آمریکا هنگامی که در ژانویه ۲۰۱۷ به قدرت رسید، در سخنرانی های خود بارها به وضعیت ناهنجار و نابسامان نیروهای مسلح آمریکا اعتراف کرده و قول داده بود تا این مساله را برطرف نماید. به رغم این وعده ها اما عملا ترامپ نتوانست به وعده های خود در این زمینه عمل کند. اکنون نیروهای نظامی آمریکا از

آمریکا اظهار داشت که ایران با استفاده از انواع پهپادهای رزمی و شناسایی، برتری هوایی آمریکا در منطقه را به چالش کشیده است. وی در پاسخ به سوالی در مورد برتری هوایی آمریکا گفت: استفاده گسترده ایران از پهپادهای کوچک و متوسط برای عملیات‌های شناسایی و هجومی بدین معنا است که برای اولین بار از زمان جنگ شبه‌جزیره کره در اوایل دهه ۱۹۵۰ ما بدون برتری کامل هوایی، عملیات انجام می‌دهیم. فرمانده سستکام تاکید کرد: تا زمانی که نتوانیم شبکه‌ای برای شناسایی و نابودی سامانه‌های پهپادی ایران تولید کنیم، برتری کامل هوایی در اختیار ما نخواهد بود.

اذعان این فرمانده ارشد آمریکایی به قدرت پهپادی ایران در واقع بار دیگر نشان داد که به رغم تبلیغات گسترده رسانه های غربی درباره ضعف شدن ایران در نتیجه اجرای سیاست فشار حداکثری از دوره ترامپ، اما تهران توانسته در عرصه نظامی با اتکا به ظرفیت ها و توانمندی های داخلی و متخصصان بومی، نیروی پهپادی عظیمی را ایجاد کند که قادر به چالش کشیدن برتری هوایی آمریکا در منطقه غرب آسیا است. در واقع پهپاد های ایرانی توانسته اند ضمن انجام انواع عملیات شناسایی از تجهیزات و نیروهای آمریکایی در منطقه در موارد لازم اقدامات رزمی و ضربتی نیز به انجام رسانند و همین مساله موجب شگفتی طرف آمریکایی شده است.



هواپیمابر آمریکا در جهان را به پایین‌ترین حد از سال ۱۹۹۲ یعنی یک سال پس از فروپاشی شوروی رسانده است. به نوشته این سایت، در سال ۲۰۱۸ به طور متوسط فقط ۱۵ درصد از ناوگان ناوهای هواپیمابر آمریکا به صورت همزمان در مأموریت‌های عملیاتی حضور داشته‌اند. این در حالی است که این رقم از سال ۲۰۱۳ به بعد بین ۲۲ تا ۲۵ درصد بوده و پیش از آن هم در اوج جنگ در افغانستان و عراق ۲۸ درصد بوده است. نیروی دریایی آمریکا این آمار را تایید کرد، اما در عین حال ادعا کرد که آمادگی دارد هر زمان که لازم باشد از ناوهای خود استفاده کند. در بیانیه نیروی دریایی آمریکا تاکید شده است: «نیروی دریایی آمریکا، نیروی تحرک جهانی این کشور است و این توان و ظرفیت را دارد که در هر زمان به نیازها در سرتاسر جهان پاسخ دهد.» این آمارها نشان می‌دهند.

با وجود آنکه در سندهای راهبرد امنیت ملی و راهبرد دفاعی آمریکا از ورود به دوران تازه‌ای از رقابت راهبردی با چین و روسیه سخن گفته شده و دولت آمریکا هم سیاست خارجی تهاجمی را علیه بسیاری از کشورها در پیش گرفته، اما فعالیت ناوهای هواپیمابر این کشور که مهمترین ابزار قدرت افکنی نظامی آمریکا در خارج از مرزهای ایالات متحده به شمار می‌آیند، به پایین‌ترین سطح در بیش از دو دهه گذشته سقوط کرده است.

برخی کمبودها و نابسامانی‌های مزمن رنج می‌برد که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

فعالیت ناوهای هواپیمابر آمریکا که مهمترین ابزار قدرت افکنی **Power projection** آن در خارج از مرزهای ایالات متحده به شمار می‌آیند، در وضعیت مناسبی قرار ندارند. آمار فعالیت ناوهای هواپیمابر آمریکا در جهان نشان می‌دهد با وجود مواضع جنگ‌طلبانه کاخ سفید، نقش‌آفرینی یکی از مهمترین عناصر جنگ‌های خارجی آمریکا به پایین‌ترین حد در بیش از دو دهه گذشته رسیده است. تقویت توان نیروی نظامی آمریکا از جمله ناوگان نیروی دریایی این کشور یکی از شعارهای «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور سابق آمریکا بود و حتی او ادعا کرده بود که ارتش آمریکا در دوره زمامداری وی به قدرتمندترین وضعیت تاریخ خود رسیده است. اما این ادعا دستکم در باره نیروی دریایی آمریکا چندان با واقعیت‌ها همخوان نیست. پایگاه «یو.اس.ان.آی» که به صورت تخصصی فعالیت‌های نیروی دریایی آمریکا را دنبال و تحلیل می‌کند، در اکتبر ۲۰۱۸ در مقاله‌ای نوشت، بررسی وضعیت استقرار ناوهای هواپیمابر آمریکا در سال ۲۰۱۸ و مقایسه آن با آمار ۵۰ ساله ارتش آمریکا نشان می‌داد که زمان طولانی و موارد متعدد تعمیر و به روزرسانی ناوهای هواپیمابر آمریکا، میزان استقرار ناوگروه‌های تهاجمی تحت رهبری ناوهای



ترامپ و کاهش حضور نظامی آمریکا در جهان

مساله دیگر اینکه دونالد ترامپ رئیس جمهور سابق آمریکا با رویکرد جدیدی در زمینه نظامی بر مبنای شعار انتخاباتی خود یعنی "نخست آمریکا" عملاً زمینه تضعیف حضور نظامی آمریکا در نقاط مختلف جهان و کاهش نفوذ نظامی آن را فراهم ساخت. ترامپ در اواخر دسامبر ۲۰۱۸ اعلام کرد که آمریکا دیگر نمی تواند ژاندارم جهان باشد. با این حال او در راستای تجاری سازی امنیت اعلام کرد که اگر کشورهایی دوست دارند که آمریکا در صف اول جبهه قرار گیرد باید هزینه آن را بپردازند. این سخنان نشان داد که صرف نظر کردن آمریکا از نقش ژاندارمی جهانی، نه یک انتخاب آگاهانه برای کمک به صلح جهانی که یک اجبار نشأت گرفته از کاستی های داخلی این کشور است. در عین حال ترامپ اقداماتی را در زمینه کاهش تعهدات نظامی آمریکا مانند دستور خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان و خروج بخشی از نیروهای آمریکایی از آلمان صادر کرد. هر چند اکنون دولت بایدن همان سیاست ترامپ را درباره خروج کامل نظامیان آمریکایی از افغانستان دنبال می کند، اما دستور لغو خروج نیروهای آمریکایی از آلمان را صادر و عملاً نیز در راستای افزایش حضور نظامی در اروپا حرکت می کند.

نشریه نشنال ایترست نیز در دسامبر ۲۰۱۸ در گزارشی چشم انداز نیروی دریایی ایالات متحده را نامطمئن ارزیابی کرده و به ویژه هشدار داده که اگر راهبردهای دفاع هوایی و دریایی کنونی آمریکا متحول نشود، ناوگان دریایی آمریکا در نبرد احتمالی علیه ناوگان جنگی روسیه یا چین ناکام می ماند. اساساً گزارش های متعدد حاکی از عدم آمادگی عملیاتی نیروهای مسلح آمریکا از جمله نیروی دریایی این کشور است. کما اینکه در گزارشی که شبکه خبری سی ان ان در فوریه ۲۰۱۷ پخش کرد اعلام شد که دو سوم از جنگنده های "اف-۱۱۸" نیروی دریایی آمریکا به دلیل نبود قطعات یدکی و تاخیر در تعمیرات، قادر به پرواز نبوده و زمینگیر شده اند. هر چند ترامپ با اذعان به وضعیت نامساعد نیروهای مسلح آمریکا قول داده بود که اصلاحات گسترده در این زمینه را در دستور کار قرار دهد و در این راستا بودجه نظامی ۷۱۶ میلیارد دلاری برای سال ۲۰۱۹ و ۷۳۸ میلیارد دلاری برای سال ۲۰۲۰ و ۷۴۰ میلیارد دلاری برای سال ۲۰۲۱ به تصویب رسید، اما تا زمان رفع نواقص و کمبودها و کسب آمادگی رزمی کامل و قابل اتکای نیروهای مسلح آمریکا زمان زیادی مانده است.

در مجموع توانمندی نظامی آمریکا در سالهای اخیر به دلایل مختلف روندی نزولی یافته و به ویژه توانایی ارتش این کشور برای جنگ در چند نقطه به صورت همزمان کاهش یافته است.

لذا واشنگتن تلاش بر ایجاد ائتلاف های منطقه ای با مشارکت شرکای خود و واگذاری مسائل دفاعی در مناطق مختلف را به کشورهای هر منطقه داشته و تلاش خود را معطوف به مقابله با قدرت نظامی فزاینده چین در منطقه ایندو پاسیفیک و روسیه در عرصه اروپا کرده است.

• جمع بندی American

امریکا پس از جنگ جهانی دوم به پلیس جهانی در راستای حفظ منافع نظام سرمایه داری تبدیل شد. دولت های امریکا برای توجیه ضرورت ایفای پلیس جهانی، در دوره جنگ سرد شعار جلوگیری از توسعه کمونیسم در جهان را سر داده و به مداخله نظامی در نقاط مختلف جهان پرداختند.

پس از فروپاشی شوروی در اوایل دهه ۱۹۹۰، آمریکا که خود را تنها ابرقدرت جهانی می دانست، با مطرح کردن نظم نوین جهانی، به نوعی به کاهش هزینه های نظامی خود پرداخت. با این حال پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، دولت جورج دبلیو بوش با ادعای جنگ جهانی علیه تروریسم به اشغال

افغانستان و عراق پرداخت. سپس دولت اوپاما بحث مقابله با افراط گراییان به ویژه مبارزه با گروه تروریستی داعش را مطرح و به این بهانه به اشغال بخش هایی از سوریه پرداخت. به ادعای ترامپ، جنگ های بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به تنهایی حداقل ۷ تریلیون دلار هزینه بر روی دست امریکا گذاشته است. در عین حال از دوره ریاست جمهوری جورج دبلیو بوش مدام بر بودجه نظامی آمریکا افزوده شده است. این درحالی است که هزینه های امنیتی، کمک های بلاعوض نظامی و دیگر هزینه های مرتبط با ژاندارمی جهانی امریکا طی نیم قرن اخیر قابل محاسبه نیست. با این حال، امریکایی که تاکنون در نقش پلیس جهانی در امور دیگران دخالت می کرد و جنگ به راه می انداخت، اکنون با بیش از ۲۸ تریلیون دلار بدهی ملی، ۳ تریلیون دلار کسری بودجه و حدود نیم تریلیون دلار کسری تراز بازرگانی مواجه بوده و در زمینه زیر ساخت ها مانند راهها، شبکه های حمل و نقل، تاسیسات برق و آب و بسیاری موارد دیگر با وضعیت اسفناکی مواجه است. دونالد ترامپ رئیس جمهور سابق آمریکا همواره از وضعیت نابسامان و حتی وخیم زیر ساخت های آمریکا انتقاد و آنها را در حال فروپاشی دانسته و وعده داده بود که اقدامات اساسی برای رفع این معضل عظیم انجام خواهد داد. به رغم این وعده، وی با افتخار به افزایش بی سابقه بودجه نظامی امریکا که در





آمریکا وجود دارد بیندازیم. " افزایش بودجه نظامی آمریکا در حالی است که آمریکا اکنون کشور رده اول جهان در زمینه همه گیری کرونا، دچار تبعات اقتصادی ناشی از آن مانند کاهش رشد اقتصادی، افزایش شمار بیکاران، افزایش شدید فقر و گرسنگی و انواع نابسامانی های اجتماعی است. در واقع برای دستگاه حاکمه آمریکا منافع مجتمع های نظامی - صنعتی و تداوم سیاست های نظامی گرایانه در عرصه بین المللی اولویت نخست شمرده می- شود. بدین ترتیب روند نظامی گری آمریکا که به بهای کاسته شدن از بودجه های اجتماعی، عمرانی و بهداشتی آمریکا و در عوض افزایش مستمر بودجه نظامی سالانه این کشور نمود پیدا کرده است، عملا زمینه فرسایش داخلی آمریکا و افول این کشور را فراهم نموده است. (دکتر سید رضا میرطاهر، پژوهشگر مسائل آمریکا)

راستای تداوم جنگ افروزی واشنگتن در نقاط مختلف جهان هزینه می شود پرداخت. ارائه بودجه نظامی ۷۵۳ میلیارد دلاری آمریکا برای سال مالی ۲۰۲۲ نشان دهنده تداوم این روند در دولت دمکرات جو بایدن است.

بدین ترتیب دولت فدرال آمریکا به جای اینکه با کاهش بودجه نظامی به اختصاص منابع مالی لازم برای نوسازی زیر ساخت ها به خصوص جادها ، پلها ، تاسیسات آب و برق و مانند آن پردازد، هر سال بودجه نظامی آمریکا را در راستای منافع مجتمع های نظامی-صنعتی افزایش داده است.

Studies Monthly

به گفته برنی سندرز سناتور مستقل آمریکایی، " در زمانی که بودجه نظامی آمریکا بیشتر از بودجه مجموع دوازده کشور دیگر است، وقت آن است که نگاه جدی به هزینه های سنگین، هدر رفت و کلاهبرداری های مالی که همین الان در وزارت دفاع

تحلیل دوم؛ ۶ حقیقت راجع به ارتش آمریکا و

ترکیب جمعیتی متغیر آن

با کوچکتر شدن تعداد نظامیان فعال در جنگ آمریکا، ساختار جمعیتی آن نیز به نحوی تغییر یافته که گویای گرایشهای رایج در اجتماع بزرگتر است.

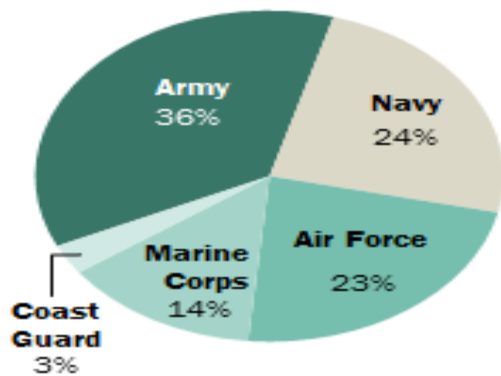
در سال ۲۰۱۵، ۱۳۴۰۵۳۳ نیروی فعال در جنگ وجود داشت (شامل آنهایی که در گارد ساحلی آمریکا خدمت میکردند). طبق تحلیل مرکز پژوهش پيو از داده های وزارت دفاع آمریکا، این نشانگر کوچکترین نیروی فعال جنگ از سال ۲۰۰۱ است. علاوه، سهم آمریکاییهای خدمت کننده در بخش جنگ اندک کاهش ۰.۴٪ از جمعیت سال ۲۰۱۵ را داشته است (که در سال ۲۰۰۹، ۰.۵٪ بود).

در اینجا حقایقی در باره ارتش فعلی ارائه میشود.

۱- نیروی زمینی همچنان بزرگترین شاخه ارتش آمریکاست. در سال ۲۰۱۵، ۳۶٪ کل نیروی فعال در جنگ در نیروی زمینی خدمت میکرد. نیروی دریایی

Active-duty service by branch of military

% of all U.S. active-duty personnel in each branch, 2015



Source: Defense Department "2015 Demographics: Profile of the Military Community" report.

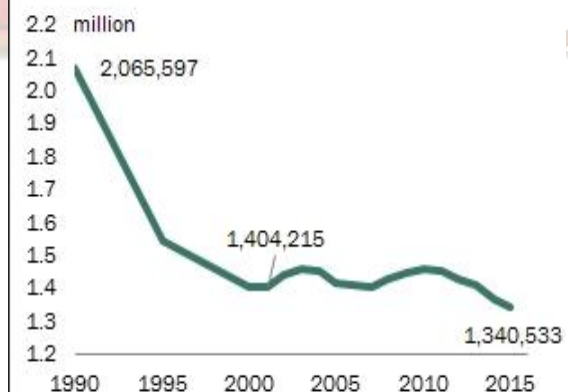
PEW RESEARCH CENTER

و نیروی هوایی در اندازه قابل مقایسه بودند که هریک حدوداً یک چهارم پرسنل فعال را تشکیل میداد. تفنگداران دریایی ۱۴٪ نیروهای فعال در جنگ را تشکیل میدادند، در حالیکه گارد ساحلی ۳٪ آن را تشکیل میداد.

نیروی زمینی، دریایی و هوایی امروزه نسبت به وضعیتشان در سال ۱۹۹۰ به اندازه قابل توجهی کوچکتر شده اند. ساینز نیروی فعال در جنگ تفنگداران دریایی نیز افت کرده، اما نه به اندازه دیگر

Active-duty force is decreasing in size

Total size of U.S. active-duty force

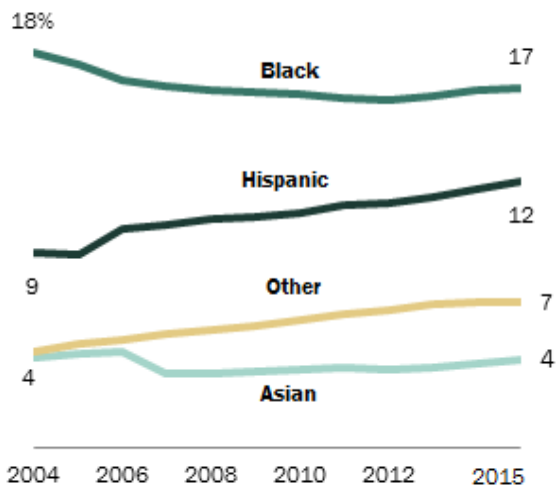


Note: Includes the four military branches of the Department of Defense and the Department of Homeland Security active-duty Coast Guard. Data labels are for 1990, 2001 and 2015.



Hispanic share of active-duty ranks rises

% of U.S. active-duty military forces that are ...



Note: Includes only the four military branches of the Department of Defense. Black, Asian and Other include only non-Hispanics. Hispanics are of any race. "Other" includes American Indians, Native Hawaiians or Pacific Islanders, multiracial and other/unknown. Source: Defense Department annual "Demographics Profile of the Military Community" reports.

PEW RESEARCH CENTER

در همان سال سیاه پوستان ۱۷٪ نظامیان فعال در جنگ وزارت دفاع را تشکیل میدادند- یعنی حدوداً بیشتر از سهم جمعیت ۱۸-۴۴ آمریکا (۱۳٪). سیاهان مرتباً نماینده سهم های بیشتری در میان پرسنل جذب شده (۱۹٪ در سال ۲۰۱۵) از بین درجه داران (۹٪) بوده اند. در سهم نیروی فعال در جنگ، اقلیت لاتین تبار در دهه های اخیر به سرعت افزایش یافته است. در سال ۲۰۱۵، ۱۲٪ کل پرسنل فعال در جنگ از لاتین تبار بودند که سه برابر سهم سال ۱۹۸۰ بود.

۴- نظامیان فعال در جنگ طی ۴۰ سال اخیر پیرتر شده اند. در سال ۲۰۱۵، تقریباً دو سوم کل پرسنل

شاخه ها. در مقایسه، تعداد اعضای فعال در جنگ گارد ساحلی کاهش اندکی داشته است.

۲- نیروی فعال در جنگ عمدتاً تحت سیطره مردان است، اما زنان در دهه های اخیر راه خود را به آن پیدا کرده اند. مجموعاً ۱۵٪ پرسنل نظامی فعال در جنگ، زنان هستند در حالی که این عدد در ۱۹۹۰، ۱۱٪ بود. در سال ۲۰۱۵، ۱۷٪ افسران فعال در جنگ زن بودند که این رقم در سال ۱۹۹۰، ۱۲٪ بود. و در سال ۲۰۱۵، ۱۵٪ پرسنل جذب شده زن بودند در حالیکه در سال ۱۹۹۰، ۱۱٪ بود. سهم زنان در رده ها بوسیله شاخه خدمتی بسیار متفاوت است. زنان حدوداً یک پنجم پرسنل فعال در جنگ (۱۹٪) را در نیروی هوایی تشکیل میدهند در حالیکه فقط ۸٪ کل تفنگداران را تشکیل می دهند. زنان ۱۸٪ نیروی دریایی و ۱۴٪ نیروی زمینی ارتشی آمریکا را تشکیل می دهند.

۳- به موازات تنوع نژادی و قومیتی کشور، ارتش آمریکا نیز دچار تنوع شده است. گروههای نژادی و قومیتی ۴۰٪ ارتش را در سال ۲۰۱۵ تشکیل میدادند که این عدد در سال ۱۹۹۰، ۲۵٪ بود (در سال ۲۰۱۵، ۴۴٪ از کل آمریکاییها بین ۱۸-۴۴ سال اقلیتهای نژادی یا قومی بودند).



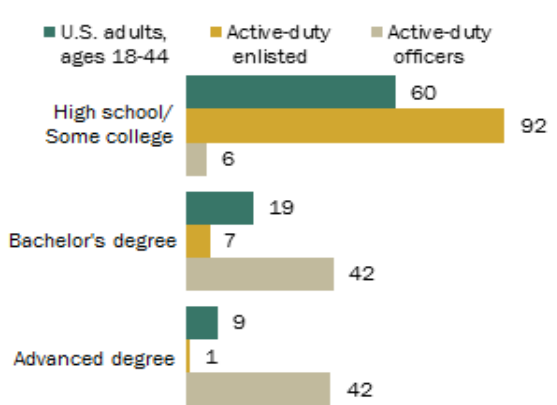
بزرگسال دارند. بیش از ۸/۱۰ افسران فعال در جنگ وزارت دفاع حداقل لیسانس دارند که شامل ۴۲٪ آنها می‌شود که دارای درجه عالی هستند. احتمال اینکه آنها نسبت به بزرگسالان ۱۸-۴۴ سال تحصیلات عالی کسب کنند چهار برابر بیشتر است. وضعیت پرسنل جذب شده بسیار متفاوت است. اکثریت عمده پرسنل جذب شده (۹۲٪) دبیرستان یا تحصیلات کالج را تمام کرده اند. این با ۶۰٪ کل آمریکاییها با میانگین سنی ۱۸-۴۴ سال مقایسه می‌شود. کمتر از یک دهم پرسنل جذب شده (۷٪) دارای لیسانس است در مقایسه با ۱۹٪ کل بزرگسالان ۱۸-۴۴ سال.

۶- نیروهای ارتش آمریکا شمار بیشتری را نسبت به نیروی فعال در جنگ تشکیل می‌دهند. در مناقشات اخیر در سراسر جهان، گارد ملی و نیروهای ذخیره اغلب در کنار نظامیان فعال در جنگ جنگیده اند. در سال ۲۰۱۵، ۸۲۶ هزار و ۱۰۶ بزرگسال در نیروهای ذخیره برگزیده- یعنی اعضای گارد ملی و ذخیره هایی که آماده فراخوان برای جنگ بودند- خدمت می‌کردند. تعداد ۲۷۵۲۴۷ بزرگسال اضافی نیز در گارد ملی غیرفعال و ذخیره فردی آماده هستند و در آموزش منظم یا رزمایشهای حین جنگ شرکت نمی‌کنند.

فعال در جنگ وزارت دفاع ۳۰ ساله یا کمتر بودند. فقط حدود یک دهم (۹٪) مسن تر از ۴۰ بودند. با این همه، از هنگام پایان نیروهای آماده به خدمت در ۱۹۷۳، میانگین سنی افسران و پرسنل جذب شده افزایش یافته است. میانگین سنی افسر نظامی در سال ۲۰۱۵ حدوداً ۳۴.۵ سال بود در حالیکه این عدد در سال ۱۹۷۳ ۳۲.۱ بود. میانگین سنی عضو جذب شده در سال ۲۰۱۵، فقط ۲۷.۵ بود در مقایسه با سال ۱۹۷۳ که ۲۵ بود. فاصله سنی افسران و نیروهای تحت امرشان طی آن مدت یکسان مانده است.

Roughly four-in-ten active-duty officers have an advanced degree

% of ___ by educational attainment, 2015



Note: Includes only the four military branches of the Department of Defense. The 12% of adults ages 18-44 and less than 0.5% of enlisted personnel and officers without a high school diploma are not shown. Educational attainment is not known for 0.6% of enlisted personnel and 9.7% of officers. Source: Active-duty enlisted and officer data from Defense Department "2015 Demographics: Profile of the Military Community" report. U.S. adult data from 2015 American Community Survey (IPUMS).

PEW RESEARCH CENTER

۵- افسران نظامی بطور متوسط تحصیلات بالاتری نسبت به پرسنل جذب شده و آمریکایی های

تحلیل سوم؛ تمرینات نظامی و آتش خودی؛

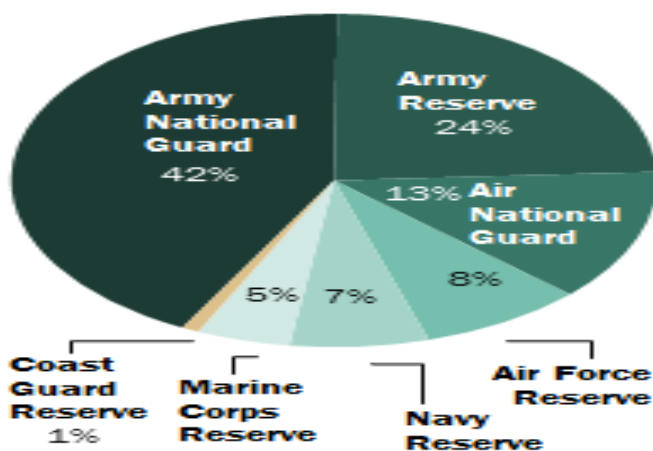
تلفات بالای ارتش آمریکا از نگاهی دیگر!

مطابق آمارهای غیررسمی بین‌المللی؛ نزدیک به ۲ درصد تلفات جنگ‌های نظامی در سراسر دنیا را تلفات مرتبط با "آتش خودی" یا Friendly Fire تشکیل می‌دهد. موضوعی که ارتش ایالات متحده در آن جزء کشورهای پیشرو بوده و فقط در جنگ ویتنام، یعنی یکی از اصلی‌ترین جنگ‌های ارتش آمریکا بیش از ۸ هزار حادثه مرتبط با "آتش خودی" به ثبت رسیده است. به عنوان مثال؛ در حادثه‌ی دردناک می ۱۹۶۹ در تپه‌ی همبرگر ویتنام، بالگردهای آمریکایی به اشتباه سربازان خودی را هدف قرار داده و موجب کشته شدن ۲ سرباز و زخمی شدن ۳۵ نفر شدند که یکی از سرهنگ دوم‌های ارتش آمریکا یعنی "ولدون هانیکت" نیز جزء این تلفات بود. یا در حادثه‌ای دیگر در مارس ۱۹۶۸ طی جنگ ویتنام، جنگنده فانتوم ارتش ایالات متحده با بمباران یک پایگاه، ۱۶ سرباز لشکر ۱۰۱ هوایرد این کشور را به کام مرگ فرستاد و موجب زخمی شدن ۴۸ تن دیگر شد. علاوه بر این موارد، در فوریه ۱۹۹۱ در زمان جنگ خلیج؛ هواپیمای نظامی ای-۱۰ تاندربولت ارتش آمریکا به اشتباه با شلیک چندموشک

گارد ملی نیروی زمینی و ذخیره نیروی زمینی بزرگترین سهم ذخیره‌های برگزیده را تشکیل می‌دهند (روی هم حدوداً دو سوم). گارد ملی نیروی هوایی و ذخیره نیروی هوایی بالغ بر ۲۱٪ را تشکیل

The Selected Reserve

% of the U.S. Reserves and National Guard forces (826,106) in each branch, 2015



Note: An additional 275,247 are members of the Inactive National Guard and the Individual Ready Reserve. These individuals do not train regularly and do not participate in active-duty training exercises with members of the Selected Reserve. Source: Defense Department "2015 Demographics: Profile of the Military Community" report.

PEW RESEARCH CENTER

میدهد.

(کیم پارکر، آنتونی سیوفو و رنه استپلر)

منبع: Pew Research Center





چرا که بعدها در گزارشات فراوانی فاش شد که افراد بسیاری در ارتش از کشته شدن او توسط نیروهای خودی در همان ساعات ابتدایی آگاه بوده‌اند اما عمداً تحقیقات را به تعویق انداخته و در آخر ناچاراً وادار به بازگویی موضوع شده‌اند.

علاوه بر تاریخ طولانی "آتش خودی" و "خطای انسانی"؛ آمارهای تلفات ارتش آمریکا در جریان تمرینات نظامی این کشور نیز بسیار حیرت انگیز و قابل تامل است. بر اساس گزارش کنگره آمریکا، از سال ۲۰۰۶ تا سال ۲۰۱۸ میلادی، ۳۱ درصد نظامیان آمریکایی به دلیل اتفاقات پیش بینی نشده و یا در جریان تمرینات و رزمایش‌های نظامی جان خود را از دست داده‌اند. رقمی معادل ۱۶۶۵۰ نیروی نظامی ارتش آمریکا که طی ۱۲ سال قربانی این حوادث و اتفاقات شده‌اند. جالب است که ۷۳ درصد این تلفات در شرایطی به وقوع پیوسته‌اند که هیچ ارتباطی با شرایط جنگی نداشته‌اند. به طور دقیق‌تر، فقط در سال ۲۰۱۸ میلادی ۸۰ سرباز آمریکایی در خلال تمرینات و در شرایط غیر جنگی جان خود را از دست داده‌اند در حالی که این رقم در میان سربازانی

موجب کشته شدن ۱۱ سرباز آمریکایی شد. در آوریل ۱۹۹۴، یک جنگنده f-۱۵ ارتش ایالات متحده ۲ بالگرد خودی را در منطقه ی پرواز ممنوع در شمال عراق ساقط کرد. طی این حادثه، ۱۵ سرباز آمریکایی و چندین سرباز انگلیسی، کانادایی و فرانسوی جان خود را از دست دادند. همچنین در مارس ۲۰۰۳ در بهبهی جنگ عراق، با تشخیص اشتباه وسایل نقلیه نیروهای خودی ارتش آمریکا به عنوان دشمن، ۱۰ تفنگدار دریایی ارتش آمریکا توسط حملات هوایی نیروهای خودی کشته شدند. مازاد بر این نمونه‌ها، یکی از اصلی ترین موارد دردناک "آتش خودی" در تاریخ نظامی ایالات متحده، پت تیلمن فوتبالیست آمریکایی است که بعدها به عضویت ارتش این کشور درآمد و در جنگ افغانستان شرکت کرد. در ابتدا بنا بر گزارشات رسمی ارتش آمریکا؛ تیلمن در جریان جنگ توسط دشمن کشته شده بود. اما چندین ماه بعد ارتش آمریکا گزارش داد که تیلمن به اشتباه توسط نیروهای خودی جان خود را از دست داده است. در آن زمان انتقادات فراوانی به وزارت دفاع آمریکا وارد بود که آنها عمداً اعلام این موضوع را به تعویق انداخته‌اند تا وجهه‌ی ارتش آمریکا خراب نشده و لطمه‌ای به اعتبار آن وارد نیاید.



و اوضاع دارد از این هم بدتر میشود. امسال، برای اولین بار، آمریکاییهای متولد بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ می توانند در نیروهای مسلح ثبت نام کنند. نکته تامل برانگیزی است هم از این جنبه که چه مدت ما در جنگ بوده ایم و هم چقدر این جنگها از جوانان آمریکا فاصله داشته است.

با این وجود، نظرسنجی رسمی نظامی نشان میدهد که جوانان آمریکایی کمتر و کمتری ارتش را بعنوان یک حرفه یا مرحله ای گذرا می پندارند- فقط ۱۲.۵ درصد که در دهه اخیر پایین ترین رقم بوده.

۱۲.۵ درصد روحیه دهنده است اما بر مبنای محاسبه ای پیچیده که توازنی از خسارتها را ارائه میکند از کشته ها، زخمی ها، فرسایش و مرخصی ها، فقط ارتش و تفنگداران دریایی نیازمند جذب حدودا ۱۰۰۰۰۰۰ نیروست تا سطح فعلی نیروها را حفظ کند. این یعنی فقط ۲.۴ درصد از ۴.۲ میلیون آمریکایی که امسال ۱۸ سالگی خود را جشن میگیرند. اما هنوز ارتش در یک صف دنبال سومین یا چهارمین سال خود میگردد تا حتی برای یافتن این تعداد نیرو تلاش کند. برای جذب تعداد کافی از آنها

که در صحنه جنگ کشته شده اند ۲۱ سرباز است. یعنی ضریب تلفات جانی تمرینات نظامی در آمریکا ۴ برابر ضریب تلفات جنگی ارتش این کشور است!

(محمد مهدی عباسی)

تحلیل چهارم؛ کاهش تمایل آمریکایی ها

به خدمت در ارتش؛ وحشت از پنتاگون

کاهش علاقه به ارتش امریکا به حدی رسیده که باید هشدار- یا مایه شادی- باشد برای آنها که نگران وضعیت ملت هستند.

تقاضای بودجه دفاعی سه چهارم تریلیون دلاری که اواخر دوره دونالد ترامپ به کنگره ارائه شد، حاوی رازی کثیف است، رازی که باید ما را در مورد جنگ دائمی و حمایت عمومی از آن به فکر فرو ببرد.

جوانان آمریکا دیگر مایل به

خدمت نظامی نیستند.

اوضاع چنان وخیم شده که فقط برای تامین نیروی زمینی آمریکا- ارتش و تفنگداران دریایی- این دو بخش متوسل شده اند به افزایش حقوق بی سابقه، پاداشها و ریخت و پاش های سوسیالیستی.



این باج دهی ها لازم است هرچند، طبق بررسی خانواده های ستاره آبی که یک نهاد غیرانتفاعی تاسیس شده در سال ۲۰۰۹ توسط همسران نظامیان است، تقریبا سه پنجم نظامیان و خانواده هایشان حداقل دو تن دیگر از اعضای نزدیک خانواده شان در خدمت نظامی هستند یا بوده اند. اما حتی آن تیم اعضای جدید «میراث» در حال کاهش است.

بررسی سبک زندگی خانوادگی خانواده های ستاره آبی در سال ۲۰۱۷ نشان می دهد که تعداد فزاینده ای از خانواده های نظامی دیگر مایل نیستند به فرزندان خود توصیه کند که به خدمت نظامی بپیوندند.

به همین دلیل است که بودجه دونالد ترامپ شامل یک افزایش ۳.۱٪ پرداخت به نظامیان است که بیشترین رقم طی ۱۰ سال است. طبق گفته پنتاگون، این بودجه یک ۸ میلیارد دلار دیگر برای مسکن، مدرسه، برنامه های جوانان و حتی مهد کودک فراهم خواهد کرد.

به منظور جبران این همه مرخصی غیرمجاز بین جمعیت غیرنظامی، امسال ارتش رشد

که توان خدمت نظامی را دارند، پنتاگون ۱.۶ میلیارد دلار برای جذب نیرو صرف میکند و امسال ارتش پادشاهی تا سقف ۴۰۰۰۰ دلار و همینطور مشوق هایی شامل بازپرداخت وام دانشجویی را عرضه کرده است.

ارتش و تفنگداران دریایی به افزایش حقوق، پادشاه و ریخت و پاشهای سوسیالیستی بی سابقه متوسل شده اند.

این مزایا به نحو قابل توجهی افزایش داشته است. در سال ۲۰۱۳ ارتش ۱۲۱ میلیون دلار برای پادشاهای استخدامی پرداخت کرد، رقمی که در سال ۲۰۱۷ بیش از دو برابر یعنی ۲۹۰ میلیون دلار شد. ارقام آخر برای سال ۲۰۱۸ نخواهد بود، بلکه پیش بینی میشود این رقم نزدیک به ۶۰۰ میلیون دلار باشد، یعنی پادشاه مجددا در یکسال دو برابر شد.

پس از چند دهه مدیریت درجات خود، حتی تفنگداران دریایی هم مجبور شد پادشاهای نقدی جذب نیرو بپردازد. و در سال ۲۰۱۷ تفنگداران دریایی معیار خود را کاهش داده و ۲۵٪ معافی های پزشکی، سلامت روانی و سوء رفتار ارائه داد تا بتواند به اهداف جذب نیرو برسد.

پیش بینی شده خود را به نصف رسانده و در پی ناکامی کامل در رشد در سال ۲۰۱۸، از هدف خود برای رسیدن به ۵۰۰ هزار سرباز فعال دست کشیده است.

ارتش و تفنگداران دریایی نیز پویش های تبلیغاتی (آگهی) را بازسازی نموده اند با تمرکز بیشتر بر روی رسانه های اجتماعی و تلاش برای نشان جدید. برای تفنگداران این بمعنای آگهی های «نبردهای پیروز» است که به جای جنگهای بی سرانجام فعلی بر تاریخچه نظامی متمرکز میشود. به منظور درخواست از خانمها، تفنگداران دریایی نیز آگهی «جنگ تمام شد» را امتحان میکند، نخستین آگهی تجاری آن که یک جنگاور زن را نشان میدهد. با این همه، ارتش شعار جدید «جنگاوران مورد نیاز» را بجای «ارتش قوی» اتخاذ کرده است.

مطمئناً همه موافقند که ارتش نیازمند فناوریها و دانش مجازی است و سخن

خوشحال کننده پنتاگون این است که تعداد نیروها رو به کاهش است زیرا نیروهای نظامی بدنبال کیفیت هستند. اما اینجا ما فقط در باره جذب پیاده نظام اصلی صحبت میکنیم. ممکن است راجع به پهپادها و مجازی و فضا بحث کنیم، اما این محتوای انسانی ارتش است.

زمانهای دیگری بوده که عامه مردم کمتر علاقمند به خدمت نظامی بودند. جذب نیرو با اقتصاد وحتى زمانی که بسیاری از سربازان می میرند-مثلا در تاریکترین روزهای جنگ عراق-بالا و پایین شده است. اما این رقم ثابت کاهش علاقه به خدمت نظامی حتی در میان خانواده های نظامی به حدی رسیده که باید برای آنها که نگران سلامت ملت هستند مایه هشدار یا شادی باشد. (ویلیام ام آرکین؛ منبع: گاردین)



افول نظامی آمریکا از دیدگاه اندیشکده های جهانی

بنیاد هریتیج؛ قلدرد های قدیمی، اسباب بازی های جدید

بالمستیک کشورهای دشمن همچنان حفظ شده است. پنج اولویت در راهبردهای نظامی آمریکا:

- تمرکز در دفاع موشکی و هوایی در منطقه
- نصب حسگرهای پیشرفته برای رهگیری موشک های بالمستیک و مافوق صوت
- گسترش تغییرات به سایر مناطقی که آمریکا در آن حضور نظامی دارد
- تاکید بر الگوی بازدارندگی "شکست موشکی" به جای دفاع موشکی
- الگوی شکست موشکی آمریکا، باید مبتنی بر قدرت آتش در سطح دوربرد باشد.

مایکل ترنر، کارشناس اندیشکده هریتیج؛ مطابق برنامه های استراتژیک دولت آمریکا، نوسازی نظامی کشور نیازمند بودجه کافی برای سرمایه گذاری برای ارتش و آینده آن در عرصه تقویت بازدارندگی است. به ویژه حفظ ۳ گانه هسته ای خود یعنی زیردریایی، موشک های زمینی و هواپیماها. آمریکا با تمرکز بیشتر بر دفاع موشکی علاوه بر حفاظت از کشور به دنبال حفاظت از نیروهای خود در دیگر کشورها و مناطق است.

توماس کاراگو، کارشناس اندیشکده مطالعات راهبردی؛ چالش رقابت استراتژیک کشورهای هم تراز با آمریکا، اصلی ترین چالش امروز به شمار می رود. در آخرین بازنگری در دفاع موشکی آمریکا، دفاع در برابر موشک های

اندیشکده «دِفنس وان»؛ «آیا آمریکا هنوز ابرقدرت نظامی است؟»

مارس ۲۰۲۱، ژنرال «جان شاو» معاون فرماندهی فضایی آمریکا در مصاحبه ای اعلام کرد آن ها می خواهند «بزرگترین در تمام تاریخ» باشند. با توجه به اینکه بخش های دیگر ارتش آمریکا نیز در گذشته چنین صحبت هایی را مطرح کرده اند باید با

اندیشکده «دِفنس وان» در مقاله ای با دیدی منطقی تر به قدرت نظامی آمریکا و برنامه های بلندمدت آن ها نگاه انداخته و به ایالات متحده توصیه می کند با وجود کشوری مثل چین، آنچنان از آینده خود مطمئن نباشد.





در مورد وضعیت رشد اخیر اقتصادی دو کشور داستان کاملاً واضح است. چین بنا بر بسیاری از پیش‌بینی‌های مراکز مهم اقتصادی جهان، به زودی به بزرگ‌ترین اقتصاد جهان تبدیل خواهد شد و نباید فراموش کنیم همین الان آن‌ها در زمینه برابری قدرت خرید و در زمینه صادرات کالا در جهان از آمریکا جلوتر هستند و سال گذشته بازار اروپا پس از دهه‌ها که در تسلط مطلق آمریکا بود، به چین تعلق گرفت.

در زمینه قدرت دیپلماتیک نیز رشد روزافزون چین غیرقابل انکار و در زمینه نظامی با اینکه آمریکا هم اکنون در رده اول است این سؤال وجود دارد که این تا چه زمانی دوام خواهد آورد؛ چون رشد اقتصادی چین و فناوری‌هایی که هر روز به آن دست پیدا می‌کنند سبب افزایش تولید محصولات نظامی و استفاده از این فناوری‌های نوین در آن‌ها خواهد شد.

مسلماً برای آمریکا سخت خواهد بود از بهترین بودن در همه زمینه‌ها به پایین کشیده شود، اما مگر زمانی نیروی دریایی بریتانیا تصور می‌کرد دیگر قدرت بلامنازع خود را نداشته باشد؟ به همین دلیل آمریکا باید در آینده راهبرد خود برای بهترین بودن

نگاه دقیق‌تری بررسی کرد منظور از این عطش برای بهترین بودن دقیقاً یعنی چه؟

در بسیاری از این نقشه‌های مطرح شده، رشد هر چه بیشتر چین بعید فرض شده و دیدگاه راهبردی آمریکا بر این بنا قرار گرفته که چین با توجه به چالش‌هایی که در داخل کشورش دارد نمی‌تواند به رشد کنونی اقتصاد و قدرت خود ادامه دهد. باید تأکید کرد شاید چین نتواند به رشد چشمگیر خود ادامه دهد اما احتمالاً این اتفاق تنها زمانی می‌افتد که این کشور آمریکا را پشت سر گذاشته باشد.

اولین نکته این است اصولاً قدرت، مفهومی نسبی محسوب می‌شود. قدرت یک شخص یا یک کشور، به چندین فاکتور بستگی دارد. اینکه در مورد چه نوع قدرتی صحبت می‌کنیم و این قدرت را با چه چیزی، چه کسی و در کجا مقایسه می‌کنیم؟ درست است که از لحاظ نظامی، اقتصادی و دیپلماتیک، آمریکا بسیار قدرتمند است و احتمالاً به رشد و به روز شدن خود ادامه دهد، اما این قضیه در مورد چین نیز کاملاً صدق می‌کند و این قوی‌تر شدن و به روز شدن برای این کشور مثلاً در حوزه نظامی با سرعت بسیار بیشتری نسبت به آمریکا ادامه پیدا خواهد کرد. این سبب اوج‌گیری چین و روند رو به نزول آمریکا خواهد شد.

در همه تاریخ را فراموش کرده و بیشتر از پیش نگران انتقال قدرت در جهان باشد.

فارن پالیسی؛ «آغاز تغییرات راهبردی آمریکا در جنوب آسیا»

اندیشکده فارن پالیسی، آوریل ۲۰۲۱، در مقاله‌ای، نگاهی متفاوت به خروج آمریکا از افغانستان انداخته و این حرکت را مرحله نخست گسترش راهبرد این کشور در جنوب آسیا به‌ویژه در رقابت با چین عنوان می‌کند.

خبر خروج کامل نیروهای آمریکایی از افغانستان تا یازدهم سپتامبر ۲۰۲۱، واکنش‌های بسیاری به همراه داشت. اما این خروج فقط افغانستان را تحت تأثیر قرار نخواهد داد و سبب تغییر شکل راهبرد آمریکا در جنوب آسیا می‌شود. آمریکا تقریباً برای مدت ۲۰ سال است وقایع این منطقه را از لنز درگیری‌ها در افغانستان نگاه می‌کند و از این به بعد چارچوب فکری خود را بر چین و رقابت میان خود و این کشور قرار خواهد داد. برای دهه‌ها آمریکا هیچ سیاست واحدی را برای جنوب آسیا تعیین نمی‌کرد و سیاست‌گذاری‌های خود را به صورت مقطعی بر موضوعات روز مانند جنگ افغانستان، رابطه با پاکستان [که این هم برگرفته از رابطه با افغانستان بود] و همین‌طور رابطه با هند قرار می‌داد. در طول این سال‌ها دیگر کشورهای جنوب آسیا دقیقاً متوجه نبودند سیاست آمریکا در برابر آن‌ها حول چه

محوری می‌چرخد. به عنوان مثال وقتی در سال ۲۰۱۷ دونالد ترامپ راهبرد خاص خود در افغانستان و جنوب آسیا را مطرح کرد تنها نام کشورهای افغانستان، پاکستان و هند به چشم می‌خورد و حتی نامی از دیگر کشورها به میان نیامده بود. اصلاً از لحاظ بروکراتیک، آمریکا هیچ‌گاه جنوب آسیا را به عنوان یک منطقه واحد در نظر نگرفته بود. می‌توان گفت در این خود محدودسازی جغرافیایی، آمریکا منطقه‌ای را که یک چهارم جمعیت جهان را در خود جای داده و به نظر «کاپلان» همان اهمیتی که قاره اروپا در قرن بیستم داشته را در قرن ۲۱ خواهد داشت، نادیده گرفته بود. این را نیز نباید فراموش کنیم که جنوب آسیا یکی از حساس‌ترین مناطق در زمینه موضوعات داغ دهه‌های آینده جهان یعنی تغییر آب و هوایی و منابع طبیعی است.

اکنون خروج از افغانستان نشان می‌دهد

تمرکز سیاست خارجی آمریکا چین

خواهد بود که سبب تغییر محاسبات

راهبردی کلی آمریکا در جنوب آسیا

خواهد شد.





تلاش کرده رابطه خود را با واشنگتن به فراتر از جنبه‌های امنیتی ارتقا دهد، از معادلات جدید ایالات متحده خارج بماند. آمریکا قطعاً به کشورهای دیگر جنوب آسیا یعنی مالدیو، بوتان، بنگلادش، نپال و سریلانکا نیز چشم خواهد دوخت و تلاش خواهد کرد روابط امنیتی و غیرامنیتی خود را با این کشورها به شدت گسترش دهد.

بایدن با ایستادگی در مورد منازعات تایوان و چین نشان داده می‌خواهد رویکردی محکم را در قبال پکن به اجرا بگذارد و به این ترتیب آمریکا جنوب آسیا را از چارچوب رقابت آمریکا-چین نگاه خواهد کرد. هند نیز در این معادله نقش بسیار ویژه‌ای خواهد داشت. آمریکا به این کشور به عنوان اصلی‌ترین مهره برای به دست گرفتن توازن در مقابل چین می‌نگرد و پیش بینی می‌شود پاکستان به عنوان یکی از متحدان جدی چین، با وجود اینکه

ماهنامه مطالعات افول آمریکا اندیشکده سیاست امنیتی آمریکا؛ شکست ژئواستراتژی آمریکا در افغانستان

- شاید خصوصی سازی جنگ در افغانستان برای کاهش قیمت ها و کاهش حضور نظامیان سال ها پیش ایده خوبی بود اما این ایده در افغانستان مفید نیست. از آنجا که آمریکا هیچ منافع حیاتی در افغانستان ندارد، برای اجرای کارهایی مانند خصوصی سازی عملیات جنگی در این کشور نیز تلاشی نمی کند.

دو دهه جنگ بی پایان در افغانستان گواه مایوس کننده ای از طرز تفکر راهبردی آمریکاست. هدف راهبردی سال ۲۰۰۱ که کشتن اسامه بن لادن و وفاداران وی در میان القاعده و حامیان طالبانی وی بود مدت ها پیش حاصل شد. اما نابودی واقعی طالبان هرگز اتفاق نیفتاد.

- استراتژیست های نظامی و غیرنظامی ما را در افغانستان نابود کردند. آنها آمریکا و متحدان و شرکای وفادارش را به شکستی کشاندند که امروز با آن مواجه ایم. افغانستان استعاره ای است برای سقوط کامل نوآوری های ژئواستراتژیک آمریکا. این به اصطلاح استراتژیست ها به رزمندگان واقعی خیانت کردند. زمان آن است که به بررسی و درک چگونگی و علت آن بپردازیم.

- افغانستان فقط مکانی برای رسیدن به اهداف آمریکا پس از حملات یازدهم سپتامبر بوده است. حتی ما موفق شدیم روحانیون ایران و حزب کمونیست چین را قدرتمند کنیم. افغانستان صنعت عظیمی برای پیمانکاران آمریکایی است که کار دیگری ندارند. وجود آنها به ادامه این جنگ ابدی بستگی دارد.

افول نظامی آمریکا از دیدگاه کارشناسان

(الف) دیدگاه کارشناسان داخلی:

• "احمد زارعان" عضو هیأت علمی دانشگاه جامع امام حسین (ع)؛

آمریکا برای قدرت خود که قوت یافته از ابعاد نظامی، اقتصادی و سیاسی بود اکنون معارضانی می‌بیند که این قدرت را دچار چالش‌های جدی ساخته‌اند. ایالات متحده، اکنون شاهد ظهور قدرت‌های نوظهور قابل توجه و قابل اعتنا در ابعاد جهانی است که چین به عنوان یکی از مهم‌ترین این رقبا، ۱۵ درصد از حجم اقتصاد جهان را به خود اختصاص داده است.

وقتی حضرت امام خمینی (قدس سره) در مورد فروپاشی رژیم کمونیستی شوروی پیش‌بینی می‌کردند، حتی خوش‌بین‌ترین اندیشمندان نیز چنین رخدادی را در ذهن متصور نبودند؛ اما این پیش‌بینی به وقوع پیوست. اکنون نیز که آمریکا به عنوان یک قدرت برتر، بخش قابل توجهی از اقتصاد جهان را در دست دارد و از توانمندی نظامی برخوردار است، بسیاری افول این کشور را ناممکن می‌دانند، اما با نگاهی علمی‌تر و بررسی شواهد و نشانه‌های موجود می‌بینیم که این افول آغاز شده است.

• "محمد مهربان"، عضو هیأت علمی دانشگاه جامع امام حسین (ع)؛

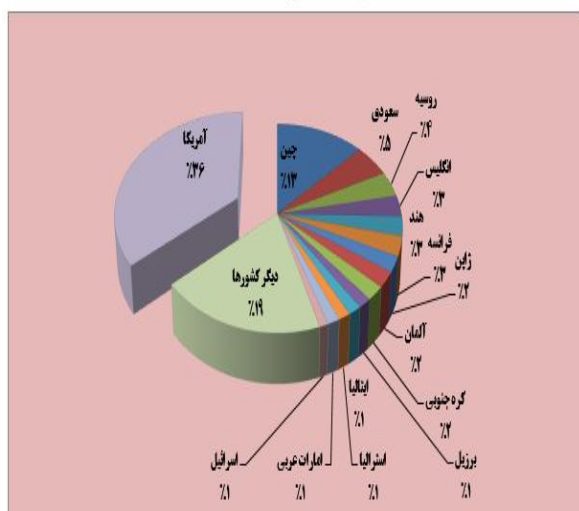
به مارکتینگ آمریکا برای تبلیغ ایجاد امنیت در منطقه دگرگون شده است. این مسأله در دوران ترامپ به وضوح مطرح شده و آمریکا دیگر به تنهایی از توان لازم برای ایجاد امنیت در منطقه برخوردار نیست؛ دور از انتظار نیست که آمریکا نه تنها امنیت بلکه دموکراسی را هم بفروشد، یعنی در ازای پول، وعده ایجاد دموکراسی و جامعه مدنی بدهد.

آمریکا در دهه‌های اخیر در رده‌بندی‌های گوناگون افول کرده است، اکنون جایگاه آمریکا در حوزه دموکراسی قابل توجه و تأمل است. کشوری که منادی صدور دموکراسی است و خاورمیانه بزرگ را بر اساس دموکراسی‌سازی مطرح می‌کند، خود در شاخص‌های دموکراسی دچار تنزل شده است. این موضوع حائز اهمیت است و جای بحث دارد کشوری که مدعی بسیاری از شعارها بود امروز چرا و چگونه دچار این تنزل شده است. نوع نگاه



”دارابی“، پژوهشگر پایگاه اینترنتی بصیرت؛

هفت کشور ژاپن، فرانسه، هند، انگلیس، روسیه، عربستان سعودی و چین بیشتر است. با این حال شکست سنگین این کشور در افغانستان و عراق موجب شده است تا بسیاری از مردم آمریکا اقدام دولت های این کشور را در صرف شش هزار میلیارد دلار در این درگیری ها محکوم نمایند. رئیس جمهور جدید این کشور این موضوع را به یکی از ابزارهای تبلیغاتی خود برای جلب آراء مردم تبدیل کرد.



بعد از پایان جنگ سرد و فروپاشی نظام دو قطبی، ایالات متحده آمریکا که رهبری بلوک غرب را در دست داشت، تلاش کرد سلطه خود را در جهان گسترش دهد و خود را به عنوان پلیس جهان معرفی نماید. مداخله در امور سایر کشورها و حمله نظامی به عراق و افغانستان از جمله این تلاش ها بود که البته نه تنها آمریکا را به هدف خود نرساند، بلکه به اعتقاد بسیاری از کارشناسان امور بین الملل این اقدامات موجبات زوال هر چه سریعتر قدرت آمریکا را فراهم آورده است.

قطعا یکی از ریشه های مشکلات اخیر آمریکا، خوی تجاوزگری این کشور است. آمریکا سالانه مبالغ هنگفتی را به بخش نظامی اختصاص می دهد تا بتواند به اهداف مداخله جویانه خود در دیگر کشورهای جهان دست یابد. این کشور سال 2015 بالغ بر 596 میلیارد دلار در بخش نظامی هزینه کرد که این مقدار از مجموع هزینه های نظامی

(ب) کارشناسان خارجی:

- ”جان مولر“ استاد دانشگاه اوهایو و عضو ارشد اندیشکده آمریکایی کیتو؛

نتایج مطالعه گسترده ارتش ایالات متحده در مورد جنگ نشان می دهد که ”دست نیافتن ما به اهداف استراتژیک“ در عراق ناشی از ”شکست



اعلام کرد "مسئولیت کشور در برابر تاریخ بشر" پاک کردن جهان از شرارت" است و از کره شمالی، ایران و عراق به عنوان محور شرارت خاص نام برد، بهترین و حتی عالی ترین منافع رژیم های کره شمالی و سوریه در این بود که از نزدیک با شیعیان مهربان و دوست خود در عراق همکاری کنند و برایشان مامنی فراهم کنند تا کار آمریکایی ها را در عراق تا آنجا که ممکن است بغرنج کنند علاوه بر ایران و سوریه، سایر کنشگران خارجی به عراق گرایش پیدا کردند و شروع به فعالیت در تلاش های صلح اشغالگران و کشتن نیروهای اشغالگر کردند. ابومصعب الزرقاوی تبعه اردن و سنی مذهب، که از ایدئولوژی و اقدامات القاعده حمایت می کرد، رهبر یک ارتش کوچک از تروریست های فداکار و بی رحم شد که هزاران عضو داشت. تمایل آمریکایی ها به نسبت دادن بسیاری از موارد خشونت در عراق به زرقاوی به سود او تمام شد اما بی رحمی های بی فکر نیروهای زرقاوی سرانجام به زیان این گروه تمام شد و عراقی ها در مقابل آنها قیام کردند. ارتش آمریکا با جدا کردن و تمایز بین غارتگران جهادی و قبایل عراقی توانست جنگ داخلی را در عراق تا سال ۲۰۰۹ تا حدی کنترل کند. با این حال، این جریان به بهای کشته شدن بیش از ۱۰۰۰ نظامی آمریکایی تمام شد؛ یعنی هفت برابر نظامیانی که

ایالات متحده در جریان حمله سال ۲۰۰۳ به عراق از دست داده بود. در نهایت نیروهای سنی تحت امر زرقاوی شکست خوردند اما این کار فقط پس از خسارات گسترده ای میسر شد که به اشغالگران تحمیل کردند. از سوی دیگر، ایران همچنان به عنوان عاملی آزار دهنده به فعالیت هایش در عراق ادامه داد و همچنان نیز به دلیل کینه ای که به تحریم های اعمال شده بر خود دارد، به این کار ادامه می دهد. در واقع، مطالعه ارتش آمریکا به طور شگفت انگیزی -هرچند غیرمستقیم- در ارزیابی خود از جنگ در عراق اینطور نتیجه می گیرد که "به نظر می رسد ایران تنها پیروز (جنگ عراق) باشد."

• "پتی جین گلر" تحلیلگر مسائل سیاسی بنیاد هریتیج؛

روسیه در صدر نگرانی برای تهدیدات هسته ای به آمریکا قرار دارد. روسیه برای انطباق با یک دکترین هسته ای مستحکم تر، تلاش گسترده ای را برای نوسازی زرادخانه هسته ای خود شروع کرده است. طراحی و ساخت نوعی موشک بالستیک قاره پیمای کاملاً جدید که قادر به حمل یک وسیله نقلیه پرنده بدون پیشرانه مافوق صوت است که می تواند از سپر سامانه های هشدار اولیه ایالات متحده عبور کند، از جمله



و البته در این میان ما نباید کره شمالی و ایران را فراموش کنیم.

برغم تردیدهای دیرینه در مورد توانمندی کره شمالی، این کشور سرکش پیشرفت های قابل توجهی در خصوص زرادخانه موشک های بالستیک خود داشته است.

از سال ۲۰۱۷ میلادی، کره شمالی سه موشک بالستیک قاره پیما طراحی و ساخته است که قادرند خاک آمریکا را هدف قرار بدهند و به تازگی نیز نوع جدیدی از این موشک ها را به نمایش گذاشته که حتی قدرتمندتر از انواع قبلی است.

کره شمالی همچنین یک برنامه تسلیحات هسته ای فعال دارد که قابل قیاس با زیرساخت های هسته ای آمریکاست.

و اما ایران، که همچنان به سرمایه گذاری روی ساخت فناوری های موشکی و فضایی ادامه می دهد.

ایران به طور پیوسته در حال تقویت توان خود است تا در نهایت موشک بالستیک قاره پیمایی بسازد که بتواند ایالات متحده را در معرض خطر قرار بدهد.

این اقدامات روسیه است. همانطور که ژنرال گلن دیوید فان هرک فرمانده یگان "فرماندهی شمال ایالات متحده آمریکا" در جلسه استماع کمیته نیروهای مسلح سنا برخی علل لزوم توجه دولت آمریکا را به تهدیدات هسته ای فزاینده علیه این کشور برشمرد. فان هرک همچنین به توانمندی های کاملاً جدید در حال ساخت روسیه از جمله یک اژدر هسته ای و یک موشک کروز هسته ای اشاره کرد که برد آن نامحدود است.

مطالعات افول آمریکا

چین، نیز که زمانی امیدوار بود به طور مسالمت آمیزی پیشرفت و خودنمایی کند، به سرعت در حال تقویت توانمندی خود در طراحی و ساخت سلاحی هسته ای است که تا خاک ایالات متحده برد عملیاتی داشته باشد. این کشور چندین موشک بالستیک قاره پیمای زمین به زمین متحرک و زیرسطحی آزمایش کرده است و به گفته فان هرک، در نهایت تسلیحات مافوق صوت پیشرفته ای به خدمت خواهد گرفت.

دریادار چارلز ریچارد، فرمانده یگان "فرماندهی راهبردی آمریکا" نیز به تازگی هشدار داده است که چین در کمتر از یک دهه دیگر، از نظر توان هسته ای هم رده آمریکا خواهد شد.

برخوردار است. این بدان معناست که اگر یک کشور متخصص بداند آمریکا قادر است با سرنگون کردن موشک دشمن، از حمله ای موفق جلوگیری کند، کمتر جرات می یابد که دکمه شلیک موشک را فشار بدهد.

نخستین گام برای برخورداری از یک توان دفاع موشکی قدرتمند، داشتن شبکه ای خوب از آشکارسازها و رادارهایی است که بتوانند نزدیک شدن موشک متخصص را اعلان کنند. او در مورد تشریح تهدید فزاینده موشک های کرورزا روسیه و چین، می گوید: "ما دوست نداریم در وضعیتی قرار بگیریم که شکست تنها گزینه بازی ما باشد."

نظر او در این باره درست بود. برای شکست دادن موشک های پیشرفته دشمن، قبل از هرچیز باید آشکارسازها و رادارها نظامی نوسازی شوند. در کل، مشاهده یک تهدید، لازمه انهدام آن است.

یکی از کارهایی که آمریکا باید در این باره انجام بدهد، توسعه برنامه رادار دوربرد تشخیص و شناسایی در آلاسکا است که توان ردیابی موشک های ورودی به خاک آمریکا را بهبود می بخشد. سال گذشته نیز کنگره بودجه ای را برای ساخت

راداری در هاوایی تأمین کرد تا بتواند پوشش راداری را بیش از پیش گسترش دهد.

و البته ، ایالات متحده باید بتواند موشک های ورودی را رهگیری کند. در حال حاضر ، ایالات متحده ۴۴ رادار رهگیر زمینی دارد که این کشور را قادر می سازد در برابر یک حمله موشکی بالستیک محدود از خود دفاع کند. این شبکه رادارهای رهگیر که در سال ۲۰۰۴ میلادی نصب و راه اندازی شده است، در حال حاضر در دست تعمیر و به روزرسانی هستند تا اطمینان حاصل شود که تا پایان دهه کنونی، عملیاتی باقی خواهند ماند، اما در نهایت باید با برنامه نسل بعدی رادارهای رهگیر جایگزین شود. رادارهای رهگیر نسل بعدی اندازه ، اطمینان و قابلیت رهگیری رادارهای کنونی را تقویت می کنند و برای دفاع در برابر تهدیدهای روزافزون کره شمالی و ایران بسیار حیاتی هستند.

پس از یکسال تاخیر در تعیین شرکت برنده قرارداد ساخت نسل بعدی رادارهای رهگیر آمریکا، این طرح هم اکنون در انتظار تایید و امضای کتلین هیکس Kathleen Hicks معاون وزیر دفاع آمریکاست.

فان هرک در این جلسه استماع، در پاسخ به سوال دبرا فیشر سناتور جمهوری خواه ایالت





نبرسکا، در توضیح علت و اهمیت طراحی و ساخت و بکارگیری نسل بعدی رادارهای رهگیر اینطور گفت: "این رادارها به ما توان بیشتری برای مقابله با تهدیداتی می دهد که.... فراتر از توان راداری کنونی ما هستند زیرا این تهدیدات به طور مداوم در حال تقویت توان خود هستند."

افول هژمونی آمریکا، نتیجه استفاده نامناسب این کشور از قدرت خود در سالهای بعد از جنگ جهانی دوم است.

زکریا معتقد است حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نقش دوگانه‌ای در افول هژمونی آمریکا بازی کرده است. این حملات، ابتدا واشنگتن را به بسیج منابع و نیروهای خود در جهت مقابله با آنچه «تروریسم» می‌نامید وادار کرد. در سال ۲۰۰۱، ایالات متحده که اقتصادش از مجموع ۵ اقتصاد مابعدش بزرگتر بود، تصمیم گرفت هزینه‌های دفاعی خودش را به طرز قابل توجهی افزایش دهد. عامل دوم، به باور فرید زکریا حمله به عراق بود که به فاجعه‌ای پرهزینه برای این کشور تبدیل شد.

زکریا معتقد است که روی کار آمدن ترامپ آخرین ضربات مهلک را به سیاست خارجی آمریکا وارد کرده و او با خارج کردن آمریکا از پیمان‌هایی مانند TPP، دوری‌گزینی از اروپا و برون‌سپاری سیاست آمریکا به عربستان و اسرائیل هم زوال هژمونی آمریکا را به نمایش گذاشته و هم آن را به پیش برده است.

جلسه استماع فان هرک یادآور این نکته مفید است که دفاع موشکی باید از اولویت های اصلی (ارتش و دولت ایالات متحده آمریکا) باشد. به همان اندازه که تهدیدات علیه خاک ایالات متحده به طور فزاینده ای چالش برانگیز می شوند، ایالات متحده هم برای محافظت از شهروندان خود در برابر این حملات وظیفه و تعهد اخلاقی دارد. برای تحقق این واقعیت، دولت بایدن و کنگره ایالات متحده آمریکا مسئولیت دارند اطمینان یابند که به این اولویت حیاتی، توجه و بودجه شایسته و بایسته اختصاص داده می شود.

” فرید زکریا تئورسین و دانشمند سیاسی ؛

زکریا، بخش عمده‌ای از مطالعات و تحقیقات خودش را به مسئله سیاست خارجی آمریکا

دفع بحران: راهبرد آمریکا، هزینه نظامی و دفاع جمعی در اقیانوس هند و اقیانوس آرام



ماهنامه مطالعات افول آمریکا، سال اول، شماره دوم، اردیبهشت ۱۴۰۰، معاونت برون مرزی صدا و سیما

برای آمریکا، این نوع انکار تجاوز، ارتش پیشرفته، تنظیمات رویه، مفاهیم عملیاتی نوین و سایر تغییرات پرهزینه را حائز اهمیت می نماید.

در حالیکه پنتاگون می کوشد بر این چالشها متمرکز شود، یک ذهنیت ابرقدرت کهنه (فرسوده) در تشکیلات سیاست خارجی احتمال دارد توان واشنگتن را برای تقلیل سایر تعهدات جهانی یا انجام مبادلات راهبردی لازم برای موفقیت در اقیانوس هند و آرام محدود سازد.

در طول دهه آینده، بودجه دفاعی آمریکا، بدلیل ترکیبی از فشارهای سیاسی، مالی و داخلی، احتمالاً قادر نخواهد بود نیازهای راهبرد دفاعی ملی را برآورده سازد.

بودجه دفاعی آمریکا در معرض تقریباً یک دهه تامین تاخیری و غیرقابل پیش بینی بوده است. ناکامی های مکرر کنگره برای تصویب بودجه های عادی و ثابت قدرت را از پنتاگون گرفته تا منابع را بطور مؤثر تخصیص داده و برنامه ریزی بلند مدت انجام دهد.

آمریکا دیگر تفوق نظامی در اقیانوس هند و آرام ندارد و ظرفیت آن برای حفظ یک توازن قدرت بطور فزاینده ای متزلزل است.

تاثیر ترکیبی جنگهای کنونی در غرب آسیا، ریاضت بودجه ای، سرمایه گذاری کم در قابلیت های نظامی و میزان دستور کار لیبرال نظم ساز آمریکا نیروهای مسلح آمریکا را برای رقابت بزرگ قدرت ادر اقیانوس هند و آرام بدون آمادگی گذاشته است.

هدف راهبرد دفاع ملی ۲۰۱۸ آمریکا پرداختن به این بحران درماندگی راهبردی است تا نیروی مشترک را ملزم کند که به جای چند مناقشه کوچکتر خود را برای یک جنگ بزرگ قدرت آماده کند و ارتش را وادار کند تا نیازهای بازدارندگی در مقابل چین را اولویت دهد.

سیستمهای ضد مداخله چین توان آمریکا را برای عرض اندام در اقیانوس هند و آرام تحلیل برده و این ریسک را ایجاد کرده اند که چین میتواند از قدرت محدود برای رسیدن به عمل انجام شده استفاده کرده و تضمین های امنیتی آمریکا را در این فرایند به چالش بکشند.

حزب گرایی فزاینده و قطبی سازی عقیدتی- در داخل و بین هر دو حزب کنگره- رسیدن به اجماع برای اولویت های هزینه کرد را دشوار میکند. نمایندگان احتمالا در خصوص دفاع ملی آمریکا به قیمت اهداف راهبردی آن به سازش های سیاسی ادامه دهند.

آمریکا با کسری های فزاینده و رشد سطح دیون عمومی مواجه است و اقدام سیاسی برای اصلاح این چالشها تا بحال کند بوده است. در صورت تداوم این روند، بخش تقلیل یافته ای از بودجه فدرال برای دفاع بجا خواهد ماند که ردیف های فوقانی بودجه را برای آینده در تنگنا خواهد گذاشت.

رشد زیاد تورم در حسابهای کلیدی داخل بودجه دفاعی- مانند عملیاتها و تامین- منابع اندکی را برای پنتاگون باقی میگذارد تا ارتش را بزرگتر کرده و سیستمهای تسلیحاتی جدید بدست آورد. هر سال تامین همین حجم ارتش پرهزینه تر میشود.

آمریکا دارای نیروی تحلیل رونده است که به اندازه کافی آماده، مجهز یا در وضعیتی نیست که مناسب رقابت در اقیانوس هند و آرام باشد- چالشی که بسیار تقلا میکند تا رفع کند.

بیست سال نبرد تقریبا مستمر و بی ثباتی بودجه آمادگی عناصر کلیدی در نیروی هوایی، دریایی، زمینی و تفنگداران دریایی را

فرسوده کرده است. رویدادهای نظامی افزایش یافته، تجهیزات قدیمی بیش از عمر خود استفاده میشود و آموزش قطع شده است.

برخی سطوح آمادگی در نیروهای مشترک رو به بهبود است اما چالشهای ساختاری باقی است. سکوهای نظامی ساخته شده در دهه ۸۰ فرسوده تر شده و تامین آنها پرهزینه تر شده است؛ و حال آنکه بسیاری از سیستمهای طراحی شده برای مناقشه قدرت بزرگ در دهه ۲۰۰۰ محدود شد تا راه برای نیازهای جنگهای غرب آسیا باز شود- که این منجر شد به ظرفیت و استفاده بیش از حد.

ارتش شروع کرده به آزمودن و وارد کردن نسل بعد به میدان و استفاده از قابلیتهای آن. اما تعویق یا لغو برنامه های تسلیحاتی جدید طی چند دهه اخیر موجب عقب افتادگی اولویتهای نوین سازی همزمان شده که احتمالا از ظرفیت بودجه فراتر خواهد بود.

بسیاری از پایگاههای عملیاتی آمریکا و متحدانش در اقیانوس هند و آرام در معرض حمله موشکی احتمالی چین بوده و فاقد زیرساخت مستحکم است. استقرار مهمات و تدارکات پیشرو متناسب با اقتضائات جنگ نیست و بطرز نگران کننده ای قابلیت لجستیک آمریکا افت شدید داشته است.



مفاهیم عملیاتی جدید و قابلیت‌های بدیع در اقیانوس هند و آرام با تلقی دفع و کند سازی تجاوز چین آزمایش میشود. برخی بخشها، مانند تفنگداران دریایی، اصلاحات گسترده ای را در برنامه دارند که جدای از ضد شورش بوده و متوجه کنترل و دفع دریایی است.

یک راهبرد دفاع جمعی، بعنوان روشی برای جبران کمبودهای قدرت نظامی منطقه ای آمریکا و هدایتگری علیه قدرت فزاینده چین، سرعت ضروری می نماید. برای پیشبرد این رویکرد استرالیا باید این کارها را انجام دهد:

✓ پیگیری تجمیع قابلیت‌ها و بازدارندگی جمعی با متحدان و شرکای توانمند شامل ایالات متحده و ژاپن.

✓ اصلاح سازوکارهای هماهنگی اتحاد آمریکا-استرالیا برای تمرکز بر تقویت اهداف بازدارندگی منطقه.

✓ توازن مجدد منابع دفاعی استرالیا از خاور میانه به اقیانوس هند و آرام.

✓ برگزاری رزمایشهای نظامی جدید و گسترش رزمایشهای موجود سطح بالا با متحدان و شرکا به منظور توسعه و نمایش مفاهیم جدید عملیاتی برای رویدادهای اقیانوس هند و آرام.

✓ کسب قابلیت‌های خاکی ضربه زدن و دفع مستحکم.

✓ بهبود وضعیت، زیرساخت و لجستیک شبکه ای منطقه ای از جمله شمال استرالیا.

✓ افزایش ذخایر و ایجاد قابلیت‌های مستقل در انباشت و تهیه مهمات دقیق، سوخت و سایر مواد لازم برای مناقشه پایدار سطح بالا.

✓ تاسیس کارگاه امنیتی اقیانوس هند و آرام برای پیشبرد توسعه مفهوم عملیاتی مشترک آمریکا و متحدان.

✓ پیشبرد تحقیق تجربی مشترک و پروژه های توسعه با هدف بهبود منحنی هزینه-قابلیت.

منبع: مرکز مطالعات آمریکا USSC



تولیدات رسانه ای راجع به افول آمریکا در جهان

❖ مستند پرس تی وی: Stateless، تولید ۲۰۲۰

این مستند به بررسی شرایط کهنه سربازانی میپردازد که با وعده اعطای شهروندی ایالات متحده به ارتش آمریکا پیوسته بودند اما در حال حاضر دیپورت شده و در منطقه ای از مرز مکزیک با آینده ای مبهم روبرو هستند. در این بین آسیب های روانی ناشی از جنگ به مشکلات این کهنه سربازان افزوده است. برخی از آنان از کودکی در آمریکا بزرگ شده اند و خود را آمریکایی میدانند و این مسئله تبعات بسیاری برای آنان داشته است. این مستند روایت زندگی و شرایط تبعیض آمیز چند نفر از این دیپورت شدگان و سیاست های منفعت گرایانه آمریکا در استفاده ابزاری از اتباع دیگر کشورها است.

ماهنامه

مطالعات افول آمریکا

❖ مستند پرس تی وی: America's ۳۳ Dollar Mercenaries

مانوئل و جورجیو آشنا می شویم. تمام این افراد از محله های فقیر نشین پرو بوده و برای زندگی بهتر برای خدمت در ارتش آمریکا اغوا شده اند. اما رویای پس انداز مالی و داشتن زندگی بهتر آنها با جراحات های شدید بر اثر پرتاب راکت و انفجار خمپاره با معلولیت های جسمی نقش بر آب شده است. در این مستند دوربین به صورت مخفیانه از موانع حفاظتی بسیار سخت آمریکائی ها بصورت قاچاقی وارد حیطة فعالیت نیروهای گارد محافظ شده و برای اولین بار فعالیت های بسیار مخفی گاردهای محافظ را در حال انجام وظیفه نشان می دهد. ما شاهد خواهیم بود که این فعالیت ها برخلاف ادعای ارتش آمریکا حالت گارد

این مستند نشان می دهد که چگونه ارتش آمریکا نیروهایی تحت عنوان گارد محافظ از کشورهای جهان سوم و عموماً "فقیر را برای حفاظت از منافع خود در عراق به خدمت در می آورد. افرادی از خانواده های بسیار فقیر اهل پرو نیز با امید به کسب درآمد و زندگی بهتر جذب این کار شده و با اینکه نمی دانند برای چه چیزی می جنگند حاضر شده اند خسارات سنگین جانی را برای روزی ۳۳ دلار بپذیرند. بسیاری از این گاردهای محافظ جان خود را در این راه از دست داده اند و تعداد بی شماری دچار معلولیت های جسمی شده اند. در قسمت اول این مستند با سه نفر از افراد گارد محافظ اهل پرو به نام های پدرو؛



محافظت نداشته بلکه فعالیت افراد بیشتر شبیه به سربازان جنگی است.

قسمت دوم این مستند به این مورد می پردازد که چه کسی باید برای رفتارهای غیر انسانی علیه گاردهای محافظ مورد سرزنش قرار بگیرد؟ گاردهای محافظ با اینکه در مقابل مبلغی ناچیز جان خود را برای منافع آمریکا به خطر انداخته اند اینچنین در حق آنها ظلم شده است. در این قسمت شاهد خواهیم بود که گاردهای محافظ اهل پرو که در این راه معلول شده اند برای احقاق حق خود تلاش می کنند. همچنین شاهد هستیم که نیروهای آمریکایی

❖ مستند پرس تی وی: Writers on War

Studies Monthly

بعد از خروج از عراق گاردهای محافظ جهان سومی را پشت سر خود رها می کنند تا به جای آنها از منافع آمریکا در عراق دفاع نمایند. حتی شاهد خواهیم بود که آمریکایی ها گاردهای محافظ آفریقایی و هندی را به خاطر اینکه حاضرند با مبلغ ۲۰ دلار در روز کار کنند جایگزین گاردهای محافظ اهل پرو می کنند. استفاده ابزاری از اتباع دیگر کشورها در ارتش امریکا و عدم تمایل جوانان امریکایی به پیوستن به ارتش، از نشانه های افول نظامی امریکا می باشد.

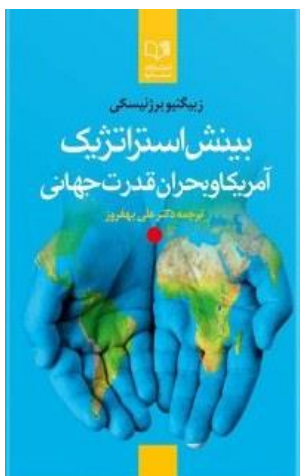
موضوع اصلی این مستند گفتگو با چهار نویسنده است (Andrew Bacevich-Helen Benedict-Daglus Kriner-Tod Ensign) که کتاب هایی با موضوعات جنگ و سیاست های جنگی آمریکا به رشته تحریر در آورده اند. به موازات گفتگو با نویسندگان و طرح موضوعات درج شده در کتابهایشان، به افرادی که با مقوله جنگ درگیر شده اند به عنوان نمونه ای واقعی پرداخته میشود.

در این مستند از طریق مصاحبه با این نویسندگان و نمونه های واقعی به مسایلی همچون بیماری های روانی بعد از جنگ، سوء استفاده از زنان در ارتش آمریکا و چگونگی استخدام افراد در ارتش آمریکا و فرستادن آنان به جنگ پرداخته میشود.



معرفی کتاب

کتاب بینش استراتژیک؛ آمریکا و بحران قدرت جهانی



✓ زیگنیو برژینسکی کتابی دارد بانام « بینش استراتژیک» که با ترجمه دکتر علی بهفروز دریچه‌ای است به دنیایی که امریکا برای کسب مشروعیت از دست رفته‌اش باید آن را باز کند.

کتاب بینش استراتژیک، تألیف زیگنیو برژینسکی و ترجمه علی بهفروز، دریچه‌ای است به دنیایی که امریکا برای کسب مشروعیت از دست رفته‌اش باید آن را باز کند.

ماهنامه

کتاب در چهار فصل شامل «غرب در حال افول»، «رنگ پریدگی رؤیای امریکایی»، «دنیا بعد از امریکا تا سال ۲۰۲۵» و «ماورای سال ۲۰۲۵ و نقش دوگانه» درصدد پاسخ به چهار پرسش است:

۱- آثار تغییر در توزیع قدرت جهانی از سوی غرب به سمت شرق چیست و اثر بیداری سیاسی انسان‌ها - واقعیت تازه‌ای که دنیا با آن روبه‌رو شده، روی این مسئله کدام است؟

۲- چرا رنگ و روی جاذبه «جهانی‌بودن» امریکا پریده است؟

۳- نتایج ژئوپلیتیکی افول امریکا از موقعیت برجسته جهانی خود چیست؟

۴- چگونه یک امریکای احیاشده، هدف‌های ژئوپلیتیکی درازمدت خود را تعریف می‌کند؟

سرد» سبب شد جابه‌جایی اصولی در تقسیم جهانی قدرت سیاسی و اقتصادی... از نظر عامه مخفی و با تولد یک سلسله مراتب اجتماعی تازه در سیستم بین‌المللی، به صورت بحران مالی اواخر سال ۲۰۰۷ دیده شود. بنابراین مرکز ثقل جهانی و دینامیسم اقتصادی از غرب به شرق (کشورهای آسیای شرقی از جمله ژاپن و چین)

از نظر برژینسکی هسته اصلی شکل‌گیری امپراتوری مدرن به دنبال زوال امپراتوری مستعمراتی غرب و به خصوص اروپا بود که به کوچکتر شدن حوزه جغرافیایی غرب شد. با این حال برتری اقتصادی و ژئوپلیتیکی آن به مدد گسترش جهانی فرهنگ، اقتصاد و قدرت سیاسی امریکا گسترش یافت. «تیرگی ناشی از جنگ





ناتوانی سیاسی اتحادیه اروپا، حسرت روسیه برای یک نقش مهم جهانی که قادر به اعمال آن نیست، این فکر که چین ممکن است خیلی زود به قله برتری جهانی برسد، آسیب‌پذیری داخلی و خارجی هندوستان و بی‌میلی طولانی ژاپن در استفاده از قدرت وزین اقتصادی خود برای به دست‌آوردن جسارت سیاسی، همه با هم منعکس‌کننده واقعیت یک رهبری جهانی با دامنه وسیع‌تر و همبستگی کمتر است.

پراکندگی در حال تکوین قدرت جهانی با ابتنا بر دنیای رسانه‌ای و افزایش جمعیت جوان به‌ویژه در جوامع در حال توسعه، با ظهور پدیده‌ای به نام «بیداری سیاسی» تشدید شده است برژینسکی معتقد است قیام عمومی در آفریقای شمالی و خاورمیانه (بهار عربی) مثال بسیار روشن از بیداری شتابزده سیاسی و نتایج بالقوه آن نشان داد. ولی نکته مهم بحث برژینسکی آن است که در کشورهای مسلمان غرب آسیا، انزجار حاد از دخالت‌های بی‌مورد آمریکا در خاورمیانه و پشتیبانی از اسرائیل دیده می‌شود. با این همه بیداری سیاسی جهانی، دو نتیجه غیرمستقیم هم داشته است: ابتدا به دشمنی‌های یک‌طرفه و نسبتاً ارزان قدرت‌ها علیه ملت‌های ضعیف و غیرمتحد خاتمه بخشید و بیداری سیاسی مسئولیت مشترک را رواج و هزینه سلطه‌جویی خارجی را افزایش

منتقل و بر این اساس گروه هشت در سال ۲۰۰۸ به گروه ۲۰ تبدیل شد.

پراکندگی قدرت جهانی شامل صعود آسیا با افزایش برتری جهانی ژاپن، چین و هندوستان است. برژینسکی به نگرانی امریکایی‌ها درباره ظهور چین به صورت یک ابرقدرت جهانی اشاره می‌کند و معتقد است شتاب توسعه در چین با توجه به مؤلفه‌هایی همچون قدرت تصمیم‌گیری، عدم تعهد خارجی ناتوان‌کننده و قدرت نظامی، این کشور را به عنوان دومین قدرت بین‌المللی بعد از آمریکا توجیه می‌کند.

زیگنیو برژینسکی ژئواستراتژیست، سیاست‌مدار



لهستانی-آمریکایی بود.

وی مشاور امنیت ملی در دولت جیمی کارتر بود. وی متولد ۸ فروردین ۱۳۰۷ بود و در ۵ خرداد ۱۳۹۶ در ۸۹ سالگی درگذشت.

از نظر وی اتحادیه اروپا یک قدرت مهم و مستقل در صحنه جهانی نیست. جایگاه روسیه هم بدون سلاح‌های اتمی یا وابستگی برخی کشورهای اروپایی به نفت و گاز آن، روی هرم ژئوپلیتیک جهانی بالا نبود. از نظر برژینسکی

داده و سپس اهمیت خاصی به سیاست رقابت‌پذیر جهان داد.

برژینسکی در قسمتهای دیگری از کتاب به فجایعی که آن روی سکه تمدن امریکاست مثل: اخراج و پاکسازی سرخپوستان با مصوبه کنگره در سال ۱۸۳۰، - پایان جهان دوقطبی و اظهارات کلینتون و بعدها بوش پسرکه «کشور ما توسط خداوند انتخاب شده»، عدم اطمینانی فزاینده درباره دوام درازمدت کارایی اقتصاد امریکا و بدهکاری روزافزون در دهه اول قرن ۲۱-۱۱ سپتامبر و مسئله جنگ با تروریسم و حمله یک‌طرفه غیرقانونی به عراق در سال ۲۰۰۳- بحران مالی سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ و... می‌پردازد.

از شش مسئله بحرانی اصلی امریکا یعنی، قرض ملی، سیستم مالی معیوب، گسترش نابرابری درآمد، ویران‌شدن تأسیسات زیربنایی ملی، بی‌اطلاعی مردم و سیستم سیاسی آن در باقی‌مانده قدرت‌های امریکا پرده برمی‌دارد. به جنگ طولانی امپریال امریکا می‌پردازد زیرا که معتقد است طولانی‌ترین جنگ‌های تاریخ امریکا با یک

ویژگی مشترک بوده است: انجام عملیات نظامی امریکا در مناطقی ناسازگار و خصمانه که دولت بوش پسر کمترین توجهی برای زمینه پیچیده فرهنگی منطقه، دشمنی‌های عمیق قومی که ایجاد برخورد درونی می‌کردند، ناآرامی‌های خطرناک همسایگی‌ها در منطقه، اختلافات حل نشده ارضی در حد بسیار مشکل ساز، نکرده بود.

برژینسکی در بیان علل هجوم و انجام جنگ طولانی، از توسل دولت بوش به «عوام‌فریبی» سخن می‌گوید و اینکه این در نهایت به لکه‌دارشدن اعتبارنامه دموکراتیک امریکا منجر شد او معتقد است امریکا فاقد یک استراتژی جامع برای منزوی‌ساختن تروریست‌های افراطی القاعده از گرایش عمده مسلمانان و مختل‌سازی شبکه تروریست و یک پاسخ درازمدت برای ضعیف‌سازی پشتیبانی از تروریست‌ها بود. از نظر وی چنین پاسخی باید متضمن تقویت «میانه‌روها» و منزوی‌سازی «افراطی‌گری اسلامی» می‌بود.

برژینسکی تأکید می‌کند که علاوه بر جنگ تمام نشده افغانستان، امریکا با سه وضعیت دشوار و عظیم ژئوپلیتیکی در منطقه‌ای پهناور، پرجمعیت و بی‌ثبات از شرق کانال سوئز تا غرب سین‌کیانگ شامل: خیزش مسلمانان بنیادگرای پاکستان مسلح به سلاح اتمی، احتمال برخورد



نظامی با ایران، احتمال ناموفق بودن امریکا در حمایت از قرارداد صلح منصفانه بین اسرائیل و فلسطین روبه‌رو است .

برژینسکی معتقد است سیاست خارجی که توسط محاسبات واقع‌بینانه منافع ملی امریکا تدوین نشده باشد، سیاستی است که موقعیت جهانی امریکا را در طول ۲۰ سال آینده با خطری جدی مواجه خواهد کرد.

جنگ بزرگتری که از افغانستان به پاکستان گسترش پیدا کند، یا یک درگیری نظامی با ایران، یا حتی جان گرفتن دوباره خصومت بین اسرائیل و فلسطینی‌ها، امریکا را به درون درگیری‌ها و تصادم‌های منطقه‌ای می‌کشاند، بدون آنکه پایانی برای آن دیده شود.

برژینسکی معتقد است امریکا باید به‌طور ضمنی برتری ژئوپلیتیکال چین را در سرزمین اصلی آسیا، به صورت یک حقیقت و حضور دائمش را به صورت قدرت اقتصادی غالب در آسیا بپذیرد .



راهبردهای رسانه‌ای در خصوص افول نظامی آمریکا

- تبیین و بررسی روند افول نظامی آمریکا با توجه به سیر تاریخی این امر.
- تبیین و بررسی دلایل مختلف ساختاری، نظامی، سیاسی و اقتصادی در زمینه افول نظامی آمریکا.
- تاکید و تشریح روند منفی قدرت نظامی آمریکا با استناد به آمارها و و فکت‌هایی که آمریکایی‌ها خود منتشر کرده‌اند.
- تاکید بر سمت‌گیری قدرتهای جهانی به ویژه روسیه و چین علیه سیاست‌های آمریکا و همراهی دیگر قدرتهای بین‌المللی و موضع‌گیری علیه رویکردها و اقدامات یکجانبه‌گرایانه آمریکا و تاثیر این مساله بر قدرت و نفوذ نظامی آمریکا.
- بررسی مداخلات نظامی آمریکا در دیگر مناطق و کشورهای جهان در دوره پس از حادثه ۱۱ سپتامبر و تاثیرات این مساله به ویژه فرسایش نیروها و تجهیزات نظامی این کشور و در نتیجه کاهش قدرت نظامی آمریکا.
- بررسی موردی جنگ‌های افغانستان و عراق به عنوان دهنمون‌ه شکست ابهت نظامی آمریکا و خروج ناکام آمریکا از افغانستان.
- بررسی روند تقویت توانمندی نظامی روسیه و چین به عنوان دو قدرت بین‌المللی رقیب آمریکا در عرصه‌های مختلف به ویژه سایبری، فضایی، تسلیحات فراصوت، افزایش قدرت نیروهای هسته‌ای استراتژیک به ویژه ساخت و عملیاتی کردن زیر دریایی‌ها و موشک‌های هسته‌ای استراتژیک جدید و در نتیجه به چالش کشیدن برتری نظامی و فن‌آورانه آمریکا در بسیاری از حوزه‌های حساس و استراتژیک.
- نقش قدرتهای منطقه‌ای از جمله ایران در به چالش کشیدن قدرت نظامی آمریکا و مقابله با آن و در نتیجه شکست هیمنه نظامی آمریکا.
- تشریح ضعف‌های ساختاری داخلی آمریکا به خصوص فرسودگی زیرساخت‌ها و بی‌توجهی دولت فدرال به امور اجتماعی، بهداشتی و آموزشی و بازسازی زیرساخت‌ها به بهای افزایش بودجه نظامی و تقویت روند نظامی‌گری.
- بررسی چشم‌انداز چالش‌های ساختاری در نیروهای مسلح آمریکا و تاثیر آن بر توانمندی و کارایی ارتش این کشور در عرصه نبردهای آینده.
- بررسی نقش مجتمع‌های نظامی-صنعتی بردستگاه حاکمیتی آمریکا به ویژه کاخ سفید و کنگره و نفوذ لابی‌ها بر روند افزایش بودجه نظامی و نظامی‌گری در آمریکا.



- بررسی نقش اسناد بالا دستی به ویژه سند استراتژی امنیت ملی و سند استراتژی نظامی و هسته ای آمریکا و میزان تاثیر گذاری آنها بر روند ها و اقدامات نظامی آمریکا در ابعاد منطقه ای و جهانی.

- بررسی روند وضعیت تعهدات نظامی جهانی و منطقه ای آمریکا و روند کاهشی یا افزایشی آن .

- ساخت برنامه های مستند چند قسمتی در زمینه افول نظامی آمریکا با توجه به روند و دلایل این امر و آینده آن .

- برگزاری میزگردها و گفتگوهای ویژه خبری در زمینه بررسی روند های نظامی در آمریکا و پیش بینی آینده آن .

- ساخت برنامه های مستند و معرفی نیروهای مسلح آمریکا به ویژه با تاکید بر تاثیرات منفی جنگ های تجاوز کارانه آمریکا بر روحیه و سلامت جسمانی و روانی نظامیان این کشور و کاهش تمایل برای پیوستن به ارتش آمریکا .

گزارش سالانه آژانس اطلاعات دفاعی آمریکا؛

چین بزرگترین تهدید علیه آمریکا در دهه های آینده

جینینگ تأکید می ورزید و بر آماده سازی برای درگیری با "دشمن قدرتمند" - تعبیری که برای ارجاع به آمریکا استفاده می شود - تحت شرایط واقعی جنگ در همه حوزه های متمرکز بود. این دستورالعمل تقریباً به طور قطع، معیار ارتش خلق چین برای موفقیت را «شکست ارتش آمریکا» رمزگذاری می کند. ارتش خلق چین احتمالاً این مضامین آموزشی و رزمایشی را تا پایان سال ۲۰۲۱ ادامه خواهد داد. برای سومین سال متوالی، ارتش خلق چین در رزمایش راهبردی سالانه

مدیر آژانس اطلاعات دفاعی آمریکا از افزایش زرادخانه های هسته ای چین در دهه های آینده خبر داد و گفت که پکن به زودی به بزرگترین تهدید برای واشنگتن تبدیل خواهد شد.

تمرین های نظامی ارتش خلق چین در طول سال ۲۰۲۰ احتمالاً بر بهبود توانایی ارتش خلق چین برای نبرد و پیروزی در جنگ ها از طریق عملیات مشترک تحت سناریوهای واقعی جنگ متمرکز بوده است. اولین دستور کمیته مرکزی نظامی در سال ۲۰۲۰ یک دستورالعمل آموزشی بود که بر اجرای چارچوب ایدئولوژیک شی



در گزارش اسپوتنیک به نقل از ژنرال اسکات بری یر، مدیر آژانس اطلاعات دفاعی آمریکا، چین به عنوان نخستین تهدید برای آمریکا ست و پس از آن روسیه، ایران و کره شمالی قرار دارند. پکن، به طور فزاینده‌ای ایالات متحده را در چندین صحنه به ویژه از نظر اقتصادی، نظامی و فنی به چالش میکشد و برای تغییر هنجارهای جهانی تلاش میکند.

چین حاضر به پیوستن به گفتگوهای سال ۲۰۲۰ بین آمریکا و روسیه درباره تمدید پیمان کاهش دوجانبه تسلیحات هسته‌ای جدید نشد و خشم واشنگتن را برانگیخت.

واشنگتن تلاش کرده بود توافقنامه را به یک معامله سه جانبه گسترش دهد که شامل چین نیز باشد. موضع چین، اما این بود که زرادخانه کلاهک هسته‌ای او بخش کمی از زرادخانه های موجود در آمریکا و روسیه است.

روسیه شرکت کرد، اگرچه احتمالاً در مقیاس کوچکتر از گذشته به دلیل محدودیت های احتمالی کرونایی. چین و روسیه همچنین دومین گشت بمب افکن ترکیبی خود را در دسامبر سال ۲۰۲۰ انجام دادند، اولین مورد از زمان گشت افتتاحیه در ژوئیه ۲۰۱۹. هر دو کشور احتمالاً این گشت را ارسال این پیام به غرب می دانند که روابط راهبردی آنها در حال تعمیق است. چین همچنان از شرکت در مباحث معنا دار در زمینه کنترل تسلیحات و مباحث مربوط به کاهش ریسک، با آمریکا خودداری می کند. چین دعوت های متعدد آمریکا در طول سال ۲۰۲۰ برای پیوستن به بحث های هسته ای بین آمریکا و روسیه را رد کرده است.

در اوایل آوریل ۲۰۲۱، تلاش چین برای گسترش نفوذ خود در جهان به عنوان یکی از بزرگترین تهدیدهای ایالات متحده اعلام شد زیرا در آن به نبردهای احتمالی به اصطلاح منطقه خاکستری برای قدرت اشاره شده است، که عملیات اطلاعاتی و حملات سایبری را تشدید میکند.

از گیرندگان محترم ماهنامه مطالعات افول آمریکا درخواست می شود، نظرات و دیدگاه هایشان درباره این ماهنامه را به آدرس الکترونیکی arcbm@irib.ir ارسال نمایند.